

d

صلوات بر پیامبر ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

اصغر طاهرزاده
1387

طاهرزاده، اصغر، 1330-

صلوات بر پیامبر^ﷺ: عامل قدسی شدن
روح، / طاهرزاده، اصغر. - اصفهان:
لُبالمیزان، 1387.

107 ص. 12*20 س م

ISBN: 978-964-2609-09-3

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا
کتابنامه به صورت زیرنویس.

1- محمد^ﷺ، پیامبر اسلام، 53 قبل از
هجرت- 11 ق. 2- صلوات.

BP266/ط127ص81387

297/77

کتابخانه ملی ایران
1216145

صلوات بر پیامبر^ﷺ: عامل قدسی شدن

روح

اصغر طاهرزاده

تاریخ

نوبت چاپ: اول

انتشار: 1378

ناشر: لبالمیزان

قیمت: 1000 تومان

طرح جلد:

شمارگان: 3000 نسخه

محمد فاطمی‌پور

لیتوگرافی: شکیبا

چاپ: پردیس

کلیه حقوق برای گروه المیزان محفوظ
است

مراکز پخش:

1- گروه فرهنگی المیزان تلفن:

0311 -7854814

2- دفتر انتشارات لبالمیزان

همراه 09131048582

فهرست مطالب

- 7 مقدمه
- تأثیر صلوات خدا بر رسول خدا ﷺ 14
- برکات صلوات رسول خدا ﷺ بر مؤمنین 17
- صلوات؛ عامل بقای الهامات معنوی 18
- صلوات؛ عامل پاکی از گناه 19
- قبلة واقعی جان انسانها 21
- بازگشت به خود گمشده 25
- خروج از ظلمات به سوی نور 28
- صلوات؛ عامل غفران 31
- صلوات؛ عامل رفع حجاب 34
- پیامبر ﷺ و آل او ﷺ یک حقیقتاند 35
- صلوات؛ عامل وسعت جان 39
- صلوات و نورانیت قبر و صراط و بهشت 41
- مقام جامعیت رسول خدا ﷺ 42
- «زهد» و «مجاهده» و «کرم» 49
- شاخصه های شخصیت نبی اکرم ﷺ 55
- پیامبر ﷺ؛ تعیین توحید 73
- امامان معصوم ﷺ تعیین اسماء حسناي الهي 73
- راه نجات از نفاق 79
- پیامبر ﷺ؛ گمشده جان انسانها 82
- جایگاه زن در منظر پیامبر ﷺ 83
- سیمای رسول خدا ﷺ 86

6.. صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن

روح

چگونگی راه رفتن و نظر کردن

90

حضرت^ﷺ

چگونگی برخورد آن حضرت^ﷺ 90

93

وضع حضرت^ﷺ در خانه

وضع حضرت^ﷺ در بیرون خانه 95

97

چگونگی مجلس حضرت^ﷺ

99

وضع حضرت^ﷺ با هم نشینان

102

سکوت حضرت^ﷺ

112

چگونگی فرستادن صلوات

115

نقش صلوات در استجاب دعا

مقدمه

مسلم در راستاي سلوك الي الله نظر به انسان هايي كه سرا سر و جود آنها نمايش پاكي و كمال مي باشد بسيار كار ساز است، و ذات مقدس رسول خدا ﷺ و ائمه معصومين ﷺ چنين انسان هايي هستند. حال اگر ذكر و فكر انسان تماماً نظر به آنها باشد، عملاً سير روحاني او به سوي آنها خواهد بود و به كمك نور توجه به پيامبر ﷺ و امامان معصوم ﷺ به راحتی از ظلمات دنيا عبور خواهد كرد و با حقايق عالم وجود روبه رو مي گردد.

كتابي كه در اختيار عزيزان قرار دارد تلاشي است براي نگرستن به ذوات مقدس پيامبر و ائمه معصومين ﷺ و چشم برداشتن از آنها كه توسط استاد طاهرزاده بيان و تنظيم شده است، تا در عين توجه دادن به جايگاه روحاني وجود اقدس رسول خدا ﷺ معني صلوات براي آن حضرت و اهل بيت ايشان روشن گردد و ان شاء الله وسيله اي باشد تا عزيزان با معرفت لازم متذكر به ذكر شريف «صلوات» گردند و از بركات فوق العاده آن برخوردار شوند.

8 .. صلوات بر پیامبر ﷺ؛ عامل قدسی شدن
روح
گروه فرهنگی المیزان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

“إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ
عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا
عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا
تَسْلِيمًا”¹

در مدخل سالگرد بعثت پیامبر اعظم ﷺ، مقام جامعیت انسانیت، انسانُ الْكُلِّ، مظهر کامل مقام همه انبیاء و اولیاء به ظهور اسم جامع «الله»، آنچه که شایسته است مورد نظر باشد توجه به مقام آن حضرت است. در چنین شبی توجه‌ها را به پیامبری بیدنازیم که افق انسانیت است، تا روشن شود هرکس از شناخت و تبعیت آن حضرت باز بماند، از خود باز مانده است. خداوند در قرآن نسبت به پیامبر ﷺ یک پیامی و یک وظیفه‌ای و یک هدایتی برای ما مطرح

10 ..صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

فرموده است. می‌فرماید: ای انسان‌ها! ای همه انسان‌ها! قضیه از این قرار است که؛ «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَيَّ يَا نَبِيَّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيَّ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»؛ خدا و ملائکه او بر پیامبر صلوات می‌فرستند، ای مؤمنین شما هم بر او صلوات بفرستید و هم‌گی به طور کامل تسلیم او شوید.

با دقت در آیه مذکور که می‌فرماید خدا و ملائکه بر پیامبر^ﷺ صلوات می‌فرستند، روشن می‌شود که این یک قاعده کلی و یک سنت و ناموس جاری در هستی است که همه کربویان و همه ملائکه عالم قدس و حتی خود خداوند، که جامع همه کمالات است، بر پیامبر خدا^ﷺ درود می‌فرستند.² بعد

2 - وقتی خداوند بر کسی درود بفرستد، نشانه آن است که جمال خود را در آینه وجود او می‌نگرد، وگرنه «العالی لا یلتفت إلی السافل» عالی هرگز به سافل نظر ندارد. لذا است که فرمود:

خیمه در هر که

نظری کرد بیند به

یا می‌فرماید:

جمال خویش به

جو آدم ما

صلوات بر پیامبرﷺ؛ عامل قدس شدن رواج

نتیجه می‌گیرد که ای مؤمنین! شما هم اولاً؛ درود بفرستید، ثانیاً؛ با تمام وجود و به نحو کامل تسلیم او شوید تا شأن شما هم، شأن ساکنان عالم قدس گردد و خدایی شوید. یعنی حال که دانستید اهل عالم قدس و ملکوت و حتی خود خداوند بر پیامبر خداﷺ درود می‌فرستند، اگر می‌خواهید قدسی شوید و جهت جانتان به سوی عالم قدس باشد و شأن شما هم شأن ملائکه گردد و خدایی شوید، «صَلُّوا عَلَيْهِ»؛ شما هم به پیامبرﷺ درود بفرستید.

از این آیه بر می‌آید که با درود فرستادن بر پیامبر خداﷺ جان و قلب انسان هماهنگ با عالم الهی خواهد شد و متخلق به صفات الهی می‌گردد، پس «صَلُّوا عَلَيْهِ» بر او صلوات بفرستید تا با صلوات بر محمد و آل او، نبض جان شما نیز چون نور جاری در عالم قدس، به سوی حضرت «الله» سیر کند. با این آیه خبر می‌دهند که اگر شما هم در آن وادی که خدا و ملائکه قرار دارند، وارد شوید، هم‌سنخ آن عالم می‌گردید و لذا از پیامبرﷺ روایت است که؛ «هرگاه نام من نزد فردی برده شود و او

12 .. صلوات بر پیامبر ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

بر من صلوات نفرستد، از رحمت الهی دور افتد و او را به دوزخ برند».³ زیرا وجود مقدس پیامبر ﷺ دریچه نظر به عالم قدس و بهشت الهی است. حال اگر کسی از آن حضرت روی برگرداند، و وقتی نام آن حضرت در مجلسی برده شود از طریق صلوات بر او، نظر خود را بر وجود مبارک او نیندازد، عملاً به بهشت الهی پشت کرده است.

مقام اسم جامع الهی یعنی «الله» و نیز ملائکه یعنی مظاهر اسماء الهی، بر پیامبر خدا ﷺ درود می‌فرستند و نظر به آن حضرت دارند و در آیینه وجود آن حضرت زیبایی‌ها و کمالات قابل ستایش را می‌بینند. حال اگر شما می‌خواهید نزدیک به خدا و هم سنخ ملائکه شوید، «صَلُّوا عَلَیْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»؛ به زیبایی‌های وجود نورانی آن حضرت بنگرید و نه فقط با شعور قلبی بر آن حضرت درود فرستید، بلکه در مقام عمل تسلیم کامل او شوید. یعنی هم جنبه قلبی شما با درود بر پیامبر خدا ﷺ قدسی گردد و چشم‌تان، چشم الهی شود، هم قوای

صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

.....
تحریکی و عقل عملی شما پذیرای
قول و فعل پیامبر^ﷺ گردد، تا آن
هماهنگی که لازمه وجود شما با
خداوند است از طریق تسلیم شدن بر
پیامبر^ﷺ که مقامش مقام وحدت و
هماهنگی صرف با احدیت است، در
شما نیز ایجاد شود. خوشا آن
صلوات و تسلیمی که موجب تقرب
جان به عالم ملائکه و حضرت
رب العالمین می شود.

در روایت از ابابصیر داریم که
می گوید: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ **◆** عَنِ
قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ
يُصَلُّونَ عَلَيَّ النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلَّمُوا
تَسْلِيمًا» قَالَ الصَّلَاةُ عَلَيْهِ وَ
التَّسْلِيمُ لَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ جَاءَ بِهِ».⁴
از امام صادق **◆** از آیه «إِنَّ اللَّهَ وَ
مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَيَّ النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلَّمُوا
تَسْلِيمًا» سؤال کردم. فرمودند:
یعنی بر او صلوات بفرست و در هر
چیزی که آورده تسلیم او باشد.
چون تسلیم دستورات خدا شدن، یک
نحوه هماهنگی با قلب مبارک آن
حضرت است، قلبی که محل اسرار

14 .. صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح عالم هستی است و مورد توجه خدا و ملائکه الهی است.

تأثیر صلوات خدا بر رسول خدا^ﷺ

علامه طباطبایی^(رحمة الله عليه) در ذیل آیه 43 و 56 سوره احزاب می‌فرمایند:

«معنای جامع کلمه «صلوة» - به طوری که از موارد استعمال آن فهمیده می‌شود- انعطاف است، چیزی که هست این معنای جامع به خاطر اختلاف مواردی که به آن نسبت داده می‌شود مختلف می‌شود، به همین جهت بعضی گفته‌اند: «صلوات از خدا به معنای رحمت و از ملائکه به معنای استغفار و از مردم دعا است».⁵ «صلوة» در اصل به معنای انعطاف بوده، و صلوات خدا بر پیامبر به معنای انعطاف او به وی است به وسیله رحمتش، البته انعطافی مطلق، چون در آیه شریفه صلوات را مقید به قیدی نکرده و همچنین صلاة ملائکه او به آن جناب، انعطاف ایشان است بر وی، به این‌که او را تزکیه نموده و برایش استغفار کنند،

صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن رسول^ﷺ

و صلاة مؤمنین بر او انعطاف
ایشان است به وسیله درخواست
رحمت برای او.

اینکه قبل از امر به مؤمنین
که بر او صلوات بفرستید،
نخست صلوات خود و ملائکه خود
را ذکر کرد، دلالتی است بر
اینکه صلوات مؤمنین بر آن
جناب به پیروی خدای سبحان و
متابعت ملائکه اوست و این که
کاری نکنند که موجب اذیت آن
حضرت شود.⁶

در راستای نقش صلوات خداوند
بر پیامبر^ﷺ و بر مؤمنین، قرآن
می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ
لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ
وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا»؛⁷

خداوند و ملائکه بر شما درود
می‌فرستد تا شما را از ظلمات به
سوی نور خارج کند و او نسبت به
مؤمنین در نهایت لطف و رحمت
است.

چنانچه ملاحظه می‌فرمایید صلوات
از ناحیه خدای سبحان کرامت و
برای نورانی‌کردن و رهانی‌دن از
تیرگی و ظلمت است. البته این

6 - ترجمة تفسیر المیزان، ذیل آیه 56
سوره احزاب.

7 - سوره احزاب، آیه 43.

16 ..صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

صلوات نسبت به پیامبر^ﷺ و اهل بیت او^ﷺ که در مقام عصمت هستند عامل دفع و منع هجوم ظلمت به ساحت ایشان است و موجب می‌شود که در مقام عصمت خود پایدار بمانند، و لی نسبت به دیگران عامل رفع و زدودن تیرگی‌های موجود در شخصیت آن‌هاست. با توجه به آیه فوق که نشان می‌دهد صلوات خداوند و ملائکه موجب خروج مؤمنان از ظلمات به سوی نور است، روشن می‌شود که وقتی خداوند می‌فرماید: «...وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ»؛⁸ به صابران بشارت ده، آن‌هایی که چون مصیبتی به آن‌ها برسد، می‌گویند: ما از خداییم و به سوی او بر می‌گردیم، بر آنان صلوات و رحمت از طرف پروردگارشان است و آن‌ها هدایت شده‌اند.

چنانچه ملاحظه می‌فرمایید صلوات خدا بر صابران نیز نازل می‌شود و در نتیجه نورانی و نورانی‌تر خواهند شد.

صلوات بر پیامبرﷺ؛ عامل قدسی شدن رسول

برکات صلوات رسول خداﷺ بر مؤمنین

در اثر صلوات الهی بر رسول خداﷺ و بهره‌مندی‌های خاصی که در اثر این صلوات برای رسول خداﷺ پیش می‌آید، آن حضرت خود منشأ صلوات برای دیگران می‌شوند و عامل خروج آن‌ها از ظلمات به سوی نور خواهند شد. در همین رابطه قرآن می‌فرماید:

«وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ
وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ
سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
رَّحِيمٌ»⁹

از اعراب بادیه‌نشین آن‌هایی که به خدا و روز قیامت ایمان آورده‌اند و با انفاق خود قرب الهی و صلوات رسول خداﷺ را به دست می‌آورند، بدانید که این انفاق مایه تقرب آنان است، به زودی خدا ایشان را در جوار رحمت خویش درآورد که خدا آمرزنده مهربان است

نقش صلوات رسول اللهﷺ بر مؤمنان ایجاد آرامش نفس و سکینه است. چنانچه خداوند می‌فرماید: «خُذْ مِنْ

18 .. صلوات بر پیامبر ﷺ؛ عامل قدسی شدن

روح

أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ
بِهَا وَصَلَّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ
وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»¹⁰ ای پیامبر از
اموال آن‌ها صدقه مربوطه را اخذ
کن و از این طریق آن‌ها را از
آلودگی‌ها پاک گردان، و بر آن‌ها
صلوات بفرست زیرا که صلوات تو
عامل آرامش است برای آن‌ها و خدا
سمیع و علیم است.

صلوات؛ عامل بقای الهامات معنوی

یکی از عرفا می‌فرماید:

«بنده بذاته فقیر است، باید
همیشه آرامش و سلام طلب کند،
و اگر آرامش و سلام طلب کند،
سیر الهامات غیبی در جان او
پایدار می‌ماند و احوالات
معنوی در جانش مستقر می‌شود و
دیگر آن الهامات گاهی نمی‌آید
و گاهی برود. حال اگر انسان
از طریق تبعیت از دستورات
رسول خدا ﷺ نسبت به قلب رسول
خدا ﷺ به مقام تسلیم رسید،
مقام استقرار و تمکن الهامات
الهیة نصیب او می‌شود و این
با صلوات بر پیامبر ﷺ حاصل
می‌گردد و در این حال چون قطب

صلوات بر پیامبر ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

.....
جانش نظر به جان رسول خدا ﷺ دارد، دیگر الهامات معنوی چون برق لامع ناپدید نمی‌شود، بلکه در نفس انسان ذاکر صلوات پایدار می‌ماند. به طوری که دیگر مانعی بین او و حقایق عالم قدس نخواهد بود.»

صلوات؛ عامل پاکی از گناه

به تعبیر روایات از طریق صلوات بر محمد و آل او جان انسان مثل روزی می‌شود که متولد شده و بدین شکل از گناهان پاک می‌گردد. در روایت داریم: عَنْ ابْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ♦ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ ﷻ: «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَي النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا» فَقَالَ الصَّلَاةُ مِنَ اللَّهِ ﷻ رَحْمَةٌ وَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ تَزْكِيَةٌ وَ مِنَ النَّاسِ دُعَاءٌ وَ أَمَّا قَوْلُهُ ﷻ: وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا فَإِنَّهُ يَعْزِي التَّسْلِيمَ لَهُ فِيمَا وَرَدَ عَنْهُ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ فَكَيْفَ نُصَلِّي عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ قَالَ: تَقُولُونَ صَلَوَاتِ اللَّهِ وَ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِهِ وَ أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جَمِيعِ خَلْقِهِ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. قَالَ: فَقُلْتُ فَمَا ثَوَابُ مَنْ صَلَّى عَلَي النَّبِيِّ وَ آلِهِ بِهِذِهِ الصَّلَاةُ

20 .. صلوات بر پیامبر ﷺ؛ عامل قدسی شدن

روح

قَالَ الْخُرُوجُ مِنَ الذُّنُوبِ وَاللَّهُ
كَهَيْئَتِهِ يَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ.¹¹

ابن ابی حمزه گوید: پدرم گفت:
از امام صادق **◆** پرسیدم معنی قول
خدای **ﷻ**: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ
عَلَيْ النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»
چیست؟ فرمود: «صلاة» از خدا،
فرستادن رحمت است و از فرشتگان،
تزکیه داشتن، و از مردم دعا و
طلب رحمت کردن است، و امّا
فرموده خدای **ﷻ**: «وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»
یعنی: فرمان برداری از او در
آنچه فرماید. گوید به آن حضرت
عرض کردم: پس چگونه بر محمد و
خاندانش درود فرستیم؟ فرمود شما
بگوئید: «صلوات الله و صلوات
ملائکته، و انبیائه و رسله و
جمیع خلقه علی محمد و آل محمد و
السلام علیه و علیهم و رحمة الله و
برکاته». گوید عرضه داشتیم:
پاداش کسی که بر محمد و آلش با
این تحیّات ها درود فرستد چیست؟
فرمود: به خدا سوگند، مانند
پاکی و بی گناهی روزی که متولد
گشته است، از گناهان بیرون آید.

صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن رواج

قبلة واقعي جان انسانها

مقام پیامبر^ﷺ، مقام انسان‌الکل است، مقام جوهره انسانیت است. انسان اگر به همه ابعاد ممکنه و جود خود معرفت پیدا کرد و خواست همه منزل‌هایی را که باید طی کند، بپیماید، و همه قوه‌هایش به فعلیت برسد، و همه مدارج ممکنه را به دست آورد، این انسان، قبلة جان خود را رسول خدا^ﷺ و آل او^ﷺ می‌بیند.

مقام پیامبر^ﷺ اصل هر انسان و مقصد هر انسانی است. در واقع اصل هر انسان، فطرت هر انسان است، فطرت هر انسان، مقام عهد اَلَسْتُ است، مقام عهد الست، مقامی است که انسان، آزاد از همه غفلت‌ها، با خدا روبه‌رو شده و شنید و دید که حق از جان او می‌پرسد: «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ؟»¹² آیا من پروردگار شما نیستم؟ با تمام وجود، همه به عنوان یک حقیقت واحد گفتند: آری! می‌بینیم که چنین است. «قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا» یعنی: نه تنها می‌دانیم تو ربِّ ما هستی، بلکه می‌بینیم که ربِّ ما هستی، هم «بَلَىٰ» را گفتیم و هم

22 ..صلوات بر پیامبرﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

«شَهْدْنَا» را. هم می‌فهمیم که تو ربِّ ما هستی، و هم می‌بینیم؛ هم در عالم عقل، و هم در عالم قلب، هم در عالم فهم، هم در عالم شهود. این اقرار و رؤیت ربوبیت حق، قصه اصل جان هر انسانی است و مقام پیامبرﷺ جلوة بالفعل و تعیین‌یافته اقرار مقام «أَلَسْتِي» هر انسانی است که در جمال منور آن حضرت به فعلیت درآمده و ظهور کرده است. پس اشتیاق هر انسان به پیامبرﷺ، یعنی اشتیاق به خود برین خودمان، و هر کس شوق بر پیامبرﷺ ندارد، خود را گم کرده و از جذبه کمالی خود غافل شده است، و لذا صلوات بر پیامبرﷺ یعنی متذکرشدن نسبت به خود اصیل خودمان.

هرکس نظر به پیامبرﷺ و ائمه معصومین^{علیهم‌السلام} نداشته باشد و هنگام یاد آن‌ها از صلوات بر آن‌ها غفلت کند، عملاً راه بهشت را گم کرده است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ♦ قَالَ إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ وَ لَمْ يَذْكُرِ النَّبِيَّ وَ آلَهُ ﷺ فِي صَلَاتِهِ يُسَلِّكُ بِصَلَاتِهِ غَيْرَ سَبِيلِ الْجَنَّةِ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ ذَكَرْتُ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ دَخَلَ النَّارَ فَأَبْعَدُهُ اللَّهُ وَ قَالَ ﷺ: وَ مَنْ ذَكَرْتُ

صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن روز

عِنْدَهُ فَتَسْبِيَّ الصَّلَاةَ عَلَيَّ خُطْبَىٰ بِهِ
طَرِيقَ الْجَنَّةِ. ¹³

حضرت صادق **◆** فرمود: هر گاه یکی از شماها نماز بخواند و در نماز خود نام پیغمبر^ﷺ و آل او را نبرد، با این نماز به راهی غیر از راه بهشت می‌رود. و رسول خدا^ﷺ فرمود: هر کس که من نزد او نام برده شود و بر من صلوات نفرستد به دوزخ رود، پس خدا او را از خود دور کند. و فرمود^ﷺ: و هر کس که من نزدش نام برده شوم و صلوات بر من را فراموش کند از راه بهشت به خطا رفته است.

زیرا بهشت محل تجلی اسماء عالیة الهی است، حال وقتی نظر انسان از نور رسول خدا^ﷺ که مقصد اصلی و فطرت متعین انسانها است منصرف شود، عملاً از بهشت دور شده است.

خوارزمی در مناقب از ابوعلقمه نقل کرده که روزی پیامبر^ﷺ نماز صبح را با ما گزارد و بعد رو به ما کرد و فرمود: «ای یاران! من دیشب عموی خود حمزه و برادرم جعفر را در خواب دیدم، از ایشان

24 .. صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

پرسیدم؛ فدایتان شوم کدام اعمال را برتر یافتید؟ گفتند: بهترین اعمال را در سه چیز یافتیم؛ صلوات بر شما، آبدادن به تشنگان و دوستی علی بن ابی طالب[ؑ]♦.

لذا می‌گوییم:

«صلوات بر پیامبر، هم به معنی اشتیاق به کلیت وجود مان است، و هم به مفهوم از قوه درآمدن مرکز عقل و روح و قلب است به سوی فعلیت».

پیامبر^ﷺ انسان مجسم است بدون هیچ عیب و نقصی، شوق و اشتیاق به پیامبر^ﷺ یعنی اشتیاق و شوق به خود برتری که از پستی‌ها و پیرایه‌ها آسوده و آزاد شده است. لذا در خطاب به او عرض می‌کنیم:

ای مهربان جان تو ای لطیف روح

مرد و زن چون چون که یک جا

اشتیاق به پیامبر^ﷺ یعنی اشتیاق به انسان‌الکل، کلیت همه انسان‌ها یک حقیقت است و اگر همه بخواهند از دریای انسانیت محروم نمانند، باید شوق به پیامبر^ﷺ داشته باشند و شوق به پیامبر^ﷺ از طریق صلوات بر او محقق می‌شود، به همین جهت می‌گوییم:

صلوات بر پیامبر ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

«توجه به پیامبر ﷺ یعنی رجعت به مبدأ و اصلی که ما در نهاد خود داریم، و آسودن در مثال اعلای وجود خود، یعنی آسودن در صورت «الستی» و خداسیمایی خود، پس پیامبر ﷺ نه فقط انسان کامل است، بلکه انسان القدیم است و بنیاد و بنیان هر انسان.»

بازگشت به خود گمشده

روزمرگی ها و پیرایه ها ما را از خود اصیل باز داشته است و ناخود را در ما خود کرده است، پیامبر ﷺ آمدند که انسان خود را خود کند و از ناخود خود آزاد گردد. همه بی‌قراری‌ها در انسان‌ها به جهت آن است که به خود واقعی‌شان دست نیافته‌اند و لذا به هر جمعیتی نالان می‌شوند تا به خود واقعی دست یابند و به اصل خود برسند. بی‌قراری‌ها به جهت آن است که غنای ذاتی و برگشت به خود اصیل را از دست داده‌اند، آن خودی که بتواند از نسیم‌های قدسی ملائکه برخوردار شود و جانش به صحنه دلگشای عالم غیب و معنویت سیر کند. صلوات بر پیامبر و آل او ﷺ چنین نیازی را جبران

26 ..صلوات بر پیامبرﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

می‌کند. در روایت از رسول اکرمﷺ داریم:

«مَنْ صَلَّى عَلَيَّ، صَلَّيْتُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَلَائِكَتُهُ، وَ مَنْ شَاءَ فَلْيُقِلِّ وَ مَنْ شَاءَ فَلْيُكْثِرْ»؛¹⁴ هر که بر من درود بفرستد خدا و فرشتگان بر او درود می‌فرستند. پس هر که خواهد کمتر و هر که خواهد بیشتر درود بفرستد.

آن‌هایی که می‌فهمند صلوات خدا و ملائکه بر جان انسان‌ها به چه معنی است و چه غوغایی در جان‌ها به‌پا می‌کند و چه شهوداتی به همراه دارد، متوجه هستند روایت فوق چه رمز و رازهایی را برای انسان‌ها می‌گشاید. در همین راستا در روایت داریم: «عن ابي عبد الله ﷺ قال: قال رسول الله ﷺ: مَا مِنْ قَوْمٍ اجْتَمَعُوا فِي مَجْلِسٍ فَلَمْ يَذْكُرُوا اللَّهَ وَ لَمْ يُصَلُّوا عَلَيَّ نَبِيِّهِمْ إِلَّا كَانَ ذَلِكَ الْمَجْلِسُ حَسْرَةً وَ وَبَالًا عَلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.»¹⁵ هر گروهی که در مجلسی اجتماع کنند و نام خدا را نبرند و بر پیامبر خود درود

14 - «الكافي»، 2 / 492. «الوسائل»، 4 / 1212.

15 - «الكافي»، 2 / 497. «الوسائل»، 4 / 1180. «تفسير نور الثقلين»، 4 / 301.

صلوات بر پیامبر ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

نفرستند، آن مجلس مایه وبال و حسرت آنان خواهد شد.

آیا حسرتی بالاتر از آن که انسان راه ارتباط با عالم قدس و معنویت را گم کند؟ انسان هایی که راه هدایت را گم کرده اند، ناخودهای خود را «خود» به حساب می آورند و از خودِ واقعی که انگشت اشاره به افق برتر انسانیت است، محروم می شوند.

پیامبر ﷺ همان مظهري است که اگر انسان بخواهد خودش را بیابد و به آن آرامش و قرار حقیقی که در اثر خودیابی نصیبش می شود برسد، باید به پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام نظر کند. اشتیاق به پیامبر ﷺ یعنی اشتیاق به خودی برین که بی قراری را به قرار، و ناخودي را به خود تبدیل می کند.

به عبارت دیگر نظر به پیامبر و آل او علیهم السلام، نظر به هزاران نیازی است که جان ما به دنبال آن است تا با برآورده شدن آنها، از نقص رو به کمال رود. در روایت داریم:

قال رسول ﷺ: «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مِائَةً مَرَّةً قَضَى اللَّهُ لَهُ

28 ..صلوات بر پیامبرﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

مِائَةٌ حَاجَةٌ»؛¹⁶ هر کس بر محمد و آل محمد صد بار درود بفرستد، خداوند صد حاجت او را بر می آورد.

نظر به ذوات مقدس پیامبر و آل اوﷺ، نظر به فطرت بالفعل هر انسانی است، به همین جهت برکات آن بسیار زیاد و چندی برا بر عمل ما خواهد بود.

خروج از ظلمات به سوی نور

حضرت صادق می فرماید: « قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ♦ يَا إِسْحَاقُ بْنُ فَرُّوخَ «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَشْرًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَلَائِكَتُهُ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مِائَةَ مَرَّةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَلَائِكَتُهُ أَلْفًا أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَ مَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ كَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا»¹⁷»؛¹⁸

هر کس بر محمد و آل محمد ده نوبت صلوات بفرستد، خدا و فرشتگانش صد نوبت بر او صلوات

16 - «مناقب علی بن ابی طالب»، ص 295.

17 - سوره احزاب، آیه 43.

18 - «الکافی»، ج 2، ص 493.

صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

می‌فرستند. و هرکس صد نوبت بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد خدا و فرشتگانش هزار نوبت بر او صلوات می‌فرستند، آیا کلام خدا را نمی‌شنوی که می‌گوید: «او است که بر شما صلوات می‌فرستد و فرشتگان او نیز بر شما صلوات می‌فرستند تا شما را از تاریکی‌ها به سوی نور بکشانند. و خداوند با مؤمنان مهربان بوده است».

و نیز در همین رابطه داریم که عبد الرحمن بن عوف می‌گوید: «پیامبر به سجده رفت و آن را طولانی ساخت. از ایشان سبب را پرسیدیم «قَالَ نَعَمْ أَتَانِي جِبْرَائِيلُ فَقَالَ مَنْ صَلَّى عَلَيْكَ مَرَّةً صَلَّى اللَّهُ لَهُ عَشْرَ مَرَّاتٍ فَخَرَزْتُ شُكْرًا لِلَّهِ»¹⁹

فرمود: جبرئیل فرود آمد و گفت: هر کس بر تو صلوات فرستد، خداوند بر او ده صلوات می‌فرستد، من به جهت شکر از خدا، سجده کردم.

انسان اگر به خود مشغول شود، هم خودپسند خواهد شد و هم پریشان احوال. حال با توجه به حقیقت کلی انسانیت و تمرکز بر کمالات او، جهت جانس از چنین

19 - « نهج الحق و كشف الصدق»، علامه حلی، ص 432.

30 ..صلوات بر پیامبرﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

ظلماتی به سوی نور سیر می‌کند، و این همان است که در آخر روایت فوق حضرت بدان اشاره فرمودند که صلوات خدا و ملائکه انسان را از ظلمات به سوی نور می‌کشاند، پس صلوات بر محمد و آل محمدﷺ انسان خاکی را خصلتی افلاکی می‌دهد. گفت:

عزت جوان یار قافله سالار ما فخر

مسلم اراده انسان‌های عادی پریشان است و نسبت به خود، خودپسندانه عمل می‌کنند، چنین انسان‌هایی در هر چیز که بنگرند و هر چیزی را که اراده کنند، در همه حال نظر به خود مادی دارند، حال وقتی نظرشان به انسانی افتاد که نقطه عطف انسانیت است، با تمام وجود می‌خواهند با او هم‌افق باشند. دیگر به جای این‌که در منظر خود خود را ببینند، در منظر خود پیامبری را می‌بینند که تمام توجه او به حضرت احد است، و لذا نه تنها از اراده‌های پریشان آزاد می‌شوند و پیام رسول خداﷺ را اراده می‌کنند، بلکه به جای آن‌که خود را در منظر خود داشته باشند و گرفتار ظلمات خودپسندی باشند، به حق نظر می‌کنند و

صلوات بر پیامبر ﷺ؛ عامل قدسی شدن رواج

.....
مفتخر به حق پسندی خواهند شد و از خود پراکنده، به خودی جامع و به سوی حضرت اَحدی سیر می‌کنند، آزاد از خودی که در آرزوهای کثیر منفجر شده بود و امیال کثیره را اراده می‌کرد.

صلوات؛ عامل غفران

نظر به وجود مقدس پیامبر ﷺ و صلوات بر او، یعنی نظر به مقام اراده کلّ - مقامی متمرکز به نور اَحد و مجموع شده در زیر حکم توحید- و در نتیجه مشمول رحمت ساکنان حرم قدس شدن، و وارد شدن در حریمی که انسان بدون هرگونه کثرتی در مجرد و یگانگی با حق به سر می‌برد. در همین رابطه داریم؛ «وَمَا رُويَ أَنَّهُ ﷺ سُئِلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَيَّ النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا» فَقَالَ هَذَا مِنْ الْعِلْمِ الْمَكْنُونِ وَ لَوْ لَا أَنَّكُمْ سَأَلْتُمُونِي عَنْهُ مَا أَخْبَرْتُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ وَ كَذَلِ بِي [بِي] مَلَكَيْنِ فَلَا أَذْكَرُ عِنْدَ مُسْلِمٍ فَيُصَلِّي عَلَيَّ إِلَّا قَالَ لَهُ ذَلِكَ الْمَلَكَانِ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ وَ قَالَ اللَّهُ وَ مَلَائِكَتُهُ آمِينَ وَ لَا أَذْكَرُ عِنْدَ [كُلِّ] مُسْلِمٍ وَ لَمْ [فَلَا] يُصَلِّ عَلَيَّ إِلَّا قَالَ

32 ..صلوات بر پیامبرﷺ؛ عامل قدسی شدن

روح

الْمَلَكَانَ لَا غَفْرَةَ لَكَ وَاللَّهُ وَ قَالَ اللَّهُ وَ
مَلَائِكَتُهُ آمِينَ.»²⁰

وقتی که جمعی از رسول خداﷺ سؤال نمودند از تفسیر آیه: «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَيَّ النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيَّ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا»، پس آن حضرت در مقام جواب آن جماعت در آمده فرمودند که: «این آیه کریمه از جمله علوم مکنون است که اگر شما از آن سؤال نمی‌کردید هر آینه من خبر آن را به شما نمی‌دادم و تفسیر آن را بیان نمی‌کردم. به درستی که حضرت رب العزة دو فرشته بر من موکل گردانیده است که نزد هیچ‌یک از شما مذکور نشوم که او صلوات بر من فرستد مگر آن‌که آن دو فرشته از برای او آمرزش خواهند، و در جواب آن کس که صلوات بر من بفرستد، گویند: خداوند تو را بیامرزد. و چون آن دو فرشته برای آن مؤمن طلب آمرزش نمایند، الله تعالی و جمیع فرشتگان بگویند: آمین. و نزد هیچ‌یک از شما مذکور نشوم که او صلوات بر من نفرستد مگر آن‌که آن ملکین موکلین او را نفرین کنند

صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

و در جواب آن کس گویند که: خداوند تو را نیامرزد، و خداوند و جمیع فرشتگان بگویند: آمین».

پیامبر خدا^ﷺ با ذکر روایت فوق قاعده جاری در عالم غیب را بر ملا نمودند که چگونه قلب ذاکرِ صلوات از گناهان پاک می شود، و راستی پاداش انسانی که از همه دل کننده و نظر خود را به پیامبر^ﷺ و ائمه معصومین^{علیهم السلام} انداخته باید کمتر از این باشد؟ و نیز در کتب اهل سنت از آن حضرت نقل شده است:

«أَكْثِرُوا الصَّلَاةَ عَلَيَّ، فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ عَلَيَّ مَغْفِرَةٌ لِدُنُوبِكُمْ»²¹ صلوات بر من را بسیار کنید. زیرا، صلوات شما بر من مایه آمرزش گناهان است.

و نیز از «ابودرداء» از رسول خدا^ﷺ است که فرمود:

«مَنْ صَلَّى عَلَيَّ حِينَ يَصْبِحُ عَشْرًا وَ حِينَ يُمْسِي عَشْرًا أَذْرَكَتُهُ شَفَاعَتِي»²² کسی که در هر صبح و شام ده بار بر من صلوات فرستد، شفاعت من او را فرا گیرد.

21 - «کنز العمال»، ج 1، ص 436.

22 - «کنز العمال»، ج 1، ص 439.

34 .. صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

صلوات؛ عامل رفع حجاب

اشتیاق به پیامبر^ﷺ یعنی آزادشدن از خود پراکنده و اراده های مضطرب و رسیدن به مقام تمرکز و جامعیت، که مقام وحدت حقه حقیقیه حقیقت محمدیه^ﷺ است. انسان پراکنده که اراده های پراکنده دارد، مقامش، مقام خاکی است، پیامبر^ﷺ که در مقام جامعیت نظر به حضرت احد دارند و قلب مبارکشان در تمرکز نسبت به آن حقیقت می باشد، اراده ایشان، اراده و انتخاب حقایق ثابت است و لذا مقامشان، مقام افلاکی است. حال اشتیاق به چنین مقامی و نظر به آن مقام از طریق صلوات، انسان خاکی را تبدیل به انسان افلاکی می کند. زیرا در راستای چنین صلواتی تمام عالم هستی از عرش تا فرش حجاب های بین او و حقایق را مرتفع می کنند و او را مشمول صلوات خود قرار می دهند. در روایت داریم: رَوَى ابْنُ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ^ﷺ: أَنَّهُ قَالَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ فِي صَلَاةٍ وَاحِدَةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي أَلْفِ صَفٍّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ لَمْ يَبْقَ

صلوات بر پیامبر ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

رَطْبٌ وَ لَا يَأْيِسُ إِلَّا وَ صَلَّى عَلَيَّ ذَلِكَ
الْعَبْدُ لِصَلَاةِ اللَّهِ عَلَيْهِ. ²³

ابن عباس از پیامبر خدا ﷺ روایت کرد که هرکس بر من صلوات بفرستد خداوند بر او هزار صلوات بفرستد، در هزار صف از ملائکه، و هیچ خشک و تری نیست مگر آن که به جهت صلوات خدا بر آن بنده، بر او صلوات بفرستند.

پیامبر ﷺ و آل او ﷺ یک حقیقت اند

قبل از آن که بحث را ادامه دهم عنایت داشته باشید که پیامبر ﷺ و آل او ﷺ یک حقیقت هستند منتهی در مظاهر مختلف، و لذا به عنوان نمونه روایتی را خدمتان عرض می‌کنم.

در احتجاجی که حضرت امام رضا ♦ با مخالفان امامت حضرت در مجلس هارون داشتند، آن حضرت می‌فرمایند:

فَقَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى «إِنَّ اللَّهَ وَ
مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَيَّ يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيَّ وَ سَلِّمُوا
تَسْلِيمًا» وَ قَدْ عَلِمَ الْمُعَانِدُونَ
مِنْهُمْ أَنَّهُ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ قِيلَ

36 .. صلوات بر پیامبر ﷺ؛ عامل قدسی شدن

روح

يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ عَرَفْنَا التَّسْلِيمَ
عَلَيْكَ فَكَيْفَ الصَّلَاةُ عَلَيْكَ؟ فَقَالَ
تَقُولُونَ «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ
إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ»²⁴ فَهَلْ
بَيَّنَّكُمْ مَعَاشِرَ النَّبِيِّ فِي هَذَا خِلَافٌ
قَالُوا لَا قَالَ الْمَأْمُونُ هَذَا مِمَّا لَا
خِلَافَ فِيهِ أَصْلًا وَ عَلَيْهِ الْإِجْمَاعُ فَهَلْ
عِنْدَكَ فِي الْأَلِ شَيْءٌ أَوْضَحُ مِنْ هَذَا فِي
الْقُرْآنِ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ ♦ نَعَمْ
أَخْبَرُونِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «يَسُ وَ
الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، إِنَّكَ لَمِنَ
الْمُرْسَلِينَ، عَلِي صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» فَمَنْ
عَذِي بِقَوْلِهِ «يَسُ» قَالَتِ الْعُلَمَاءُ
«يَسُ» مُحَمَّدٌ ﷺ لَمْ يَشْكَ فِيهِ أَحَدٌ
قَالَ أَبُو الْحَسَنِ ♦ فَإِنَّ اللَّهَ أَعْطَى
مُحَمَّدًا ﷺ وَ آلَ مُحَمَّدٍ مِنْ ذَلِكَ فَضْلًا لَا
يَبْلُغُ أَحَدٌ كُنْهَ وَصْفِهِ إِلَّا مَنْ عَقَلَهُ وَ
ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يُسَلِّمْ عَلَيَّ أَحَدٍ إِلَّا
عَلَيَّ الْأَنْبِيَاءُ فَقَالَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى
«سَلَامٌ عَلَيَّ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ» وَ
قَالَ «سَلَامٌ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ» وَ قَالَ
«سَلَامٌ عَلَيَّ مُوسَى وَ هَارُونَ» وَ لَمْ
يَقُلْ سَلَامٌ عَلَيَّ آلِ نُوحٍ وَ لَمْ يَقُلْ
سَلَامٌ عَلَيَّ آلِ مُوسَى وَ لَا آلِ إِبْرَاهِيمَ

24 - مسلم در صحيح خود روايتي در تاييد

امر فوق آورده، صحيح مسلم، ج 1، ص 305
نقل از طرائف از سيد بن طاووس و ترجمه داود
الهامي.

صلوات بر پیامبر ﷺ؛ عامل قدسی شدن رو 37

.....
وَ قَالَ سَلَامٌ عَلَيَّ آلِ يَسَّ يَعْنِي آلَ مُحَمَّدٍ ﷺ فَقَالَ الْمَأْمُونُ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ فِي مَعِينِ النَّبُوءَةِ شَرْحٌ هَذَا وَ بَيَانُهُ.²⁵

امام رضا ♦ می‌فرمایند: پس در رابطه با گفتار خداوند که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَيَّ النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا»، معاندان چون این آیه نازل شد مقصد آن را دانستند و لی سؤال کردند یا رسول الله ما سلام بر تو را دانستیم و لی چگونه صلوات بر تو فرستیم؟ فرمود بگوئید «خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد چنانچه رحمت فرستادی بر ابراهیم و آل ابراهیم به راستی تو حمید و مجیدی». سپس حضرت پرسیدند آیا ای گروه مردم! میان شما در این اختلافی است؟ گفتند نه. مأمون گفت در آن خلافتی نیست و مورد اجماع است. آیا نزد تو در باره «آل» چیزی واضح‌تر از این در قرآن هست ای ابو الحسن؟ حضرت فرمودند آری. سپس پرسیدند؛ به من خبر دهید از قول خدای ﷻ که می‌فرماید: «يَسَّ وَ الْقُرْآنَ الْحَكِيمِ

38 .. صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ عَلِي صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» مقصود از «یس» کیست؟ علماء گفتند مقصود از آن محمد است و کسی در آن شك ندارد. امام رضا **♦** فرمودند پس خدا به محمد و آل محمد فضلی داده که احدی به کنه آن نرسد و این برای آن است که خدا بر کسی سلام نداده جز به پیغمبران و فرموده است «سلام بر نوح در عالمیان» و فرمود «سلام بر ابراهیم» و «سلام بر موسی و هرون». و فرموده «سلام بر آل نوح» و «سلام بر آل موسی» و «بر آل ابراهیم»، ولی فرمود «سلام بر آل یا سین» یعنی آل محمد - پس معلوم است که برای آل محمد فضیلتی در نظر گرفته که برای آل هیچ پیامبری در نظر نگرفته - مأمون گفت دانستم که در معدن نبوت شرح و بیان آن موجود است.

♦ در روایت فوق حضرت امام رضا علاوه بر استناد به روایت مربوطه در رابطه با این که صلوات بر پیامبر^ﷺ باید همراه با صلوات بر آل او باشد، به آیه قرآن استناد می‌کنند که در کنار «یس» یعنی محمد^ﷺ، آل او را آورده و بر هر دو سلام فرستاده، زیرا بین آن‌ها، دوگانگی نیست.

صلوات بر پیامبر^ص؛ عامل قدسی شدن روح

.....
در راستای امر فوق رسول^ص الله^ع
می فرمایند: «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَ لَمْ
يُصَلِّ عَلَيَّ آلي لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ وَ
إِنَّ رِيحَهَا لَتُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ
خَمْسِمِائَةِ عَامٍ»²⁶

هر که بر من صلوات فرستد و بر
آل من صلوات نفرستد بوی بهشت را
که از مسافت پانصد سال بوئیده
شود، نبوید.

صلوات؛ عامل وسعت جان

وقتی خدا و ملائکه بر پیامبر^ص
صلوات می فرستند، یعنی عالم هستی
بر آن حضرت نظر دارند، و لذا
رسول خدا^ص نفسی وسیع و گسترده
دارند که همه نعمت های عالم بر
آن جان جاری است و پیروی از
چنین پیامبری موجب گسترش نفس
است در برابر نعمت های هستی و
عامل قرارگرفتن انسان ذاکر
صلوات در معرض فیض حق، است. به
طوری که دنیا و آخرت نعمت هایشان
را در اختیار او قرار می دهند تا
او در ابعاد جسمی و روحی به
فعلیت برسد. در روایت داریم که

26- «أمالی صدوق»، المجلس السادس و
الثلاثون، ص 200.

40 ..صلوات بر پیامبرﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

حضرت امام موسی بن جعفر♦ می فرمودند:

«مَنْ قَالَ فِي دُبُرِ صَلَاةِ الصُّبْحِ وَ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ قَبْلَ أَنْ يَثْنِيَ رِجْلَيْهِ أَوْ يُكَلِّمَ أَحَدًا» «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَيَّ النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيَّ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا»، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ ذُرِّيَّتِهِ قُضِيَ اللَّهُ لَهُ مِائَةٌ حَاجَةٍ سَبْعِينَ فِي الدُّنْيَا وَ ثَلَاثِينَ فِي الْآخِرَةِ .

قَالَ قُلْتُ مَا مَعْنَى صَلَاةِ اللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ صَلَاةِ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ صَلَاةُ اللَّهِ رَحْمَةٌ مِنْ اللَّهِ وَ صَلَاةُ مَلَائِكَتِهِ تَزْكِيَةٌ مِنْهُمْ لَهُ وَ صَلَاةُ الْمُؤْمِنِينَ دُعَاءٌ مِنْهُمْ لَهُ»²⁷

کسی که پس از نماز صبح و نماز مغرب قبل از این که پا به پا شود و یا سخنی بگوید، بگوید: «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَيَّ النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيَّ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ ذُرِّيَّتِهِ»؛ خداوند یک صد حاجت او را برآورده می سازد، هفتاد حاجت او را در دنیا و سی حاجت او را در آخرت.

راوی می گوید پرسیدم: مراد از صلاة خدا و فرشتگان خدا و مؤمنان

صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن رواج

چیدست؟! فرمود: صلاة خدا، رحمت خداست و صلاة فرشتگان خدا، به منزله ثنا و ستایش آنها از رسول خدا^ﷺ است، و صلاة مؤمنان، دعای آنان در حق اوست.

پس ملاحظه فرمودید که وقتی خدا و ملائکه بر پیامبر^ﷺ صلوات می‌فرستند، همه هستی در اختیار پیامبر^ﷺ است و همه فیضها و رحمتها و کمالات بر جان آن حضرت جاری است و نور خود را بر آن حضرت می‌نمایانند و لذا با صلوات بر آن حضرت و نزدیکی به جان مبارک او، آن نور به جان ذاکر صلوات تجلی می‌کند تا در دنیا و آخرت از هرگونه ظلماتی مصون باشد.

صلوات و نورانیت قبر و صراط و بهشت

پیامبر^ﷺ فرمودند: «أكثرُوا الصَّلَاةَ عَلَيَّ فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَيَّ نُورٌ فِي الْقَبْرِ وَ نُورٌ عَلَي الصِّرَاطِ وَ نُورٌ فِي الْجَنَّةِ.»²⁸ بر من بسیار درود بفرستید، زیرا درود فرستادن بر

42 ..صلوات بر پیامبرﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

من، نوری در قبر و نوری بر صراط و نوری در بهشت است.

این روایت راز و رمزهای بسیاری را می‌گشاید، زیرا قیامت باطن دنیا است، پس اگر کسی با صلوات بر پیامبرﷺ در «قبر» و «صراط» و «بهشت» نورانی می‌گردد و افق‌های آن عوالم برایش روشن می‌شود که چنین انسانی در دنیا نیز با حقایق عالم مرتبط خواهد بود و حجاب‌های بین او و حقایق مرتفع می‌گردد و با باطنی نورانی در دنیا زندگی می‌کند. به امید روزی که بتوان به عمق این روایت دست یافت تا به عمق صلوات بر محمد و آل اوﷺ دست یابیم.

مقام جامعیت رسول خداﷺ

عرض شد نفس پیامبرﷺ به وسعت هستی است و اشتیاق بر پیامبرﷺ و نزدیکی به او به معنای نزدیک شدن به قلبی است که به وسعت هستی است، و این قلب انسان به اندازه‌ای که به پیامبرﷺ نزدیک شود، از رحمت کلیه موجودات هستی برخوردار می‌شود و از نور آن‌ها بهره‌مند می‌گردد. خوشا بر احوالات قلبی که با نظر صحیح و عارفانه بر پیامبرﷺ

صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

احوالاتی از آن قلب قدسی را نصیب خود کرده است.

مقام پیامبر^ﷺ مقام وجود جامعی است که همه اسماء الهی در آن مقام به جامعیت موجودند و لذا همچنان که خود حضرت از عرش تا فرش و سعت دارد، زمینی بودن بشر را با عالم غیب الهی ترکیب می‌کند. در مقام جامعیت، قبلیت و بعدیت معنی ندارد، همه قبلی‌ها و بعدی‌ها در آن مقام جمع‌اند، در نتیجه او وجهه تعادل‌بخش و هماهنگ‌کننده عالم هستی محسوب می‌شود.

ما نباید از موضوع مقام جامعیت پیامبر^ﷺ به راحتی بگذریم و گرنه بسیاری از روایات برایمان مبهم می‌ماند، و نمی‌فهمیم وقتی مقامی در جامعیت اسماء الهی قرار گرفت و شدت وجود پیدا کرد، چرا ملائکه به او سجده می‌کنند و در خدمت صلوات فرستندگان به او قرار می‌گیرند. از طرف دیگر متوجه هستید که مقام دنیا، مقام کثرت و پراکندگی است و لذا علاوه بر قبل و بعد داشتن، طوری نیست که همه چیز در هر نقطه از آن جمع باشد، با توجه به این دو نکته

44 ..صلوات بر پیامبرﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

است که عرض می‌شود؛ پیامبرﷺ از طریق رحمت محمدیه، انسان را از حقارت پست ضعیف مادون دنیایی، به وحدت ارزشمند الهی دعوت می‌کند و تسلیم شدگان به خود را به آن مقام می‌کشاند.

راوی می‌گوید: به ابو عبدالله صادق♦ گفتم: من وارد خانه کعبه شدم و هر چه فکر کردم دعائی به خاطر نیامد جز صلوات بر محمد و آل محمد. ابو عبدالله گفت: این را بدان که هیچ کس به جایزه‌ای پربهاتر از جایزه تو دست نیافته است. جدم رسول خداﷺ گفت: هر کس نام مرا بشنود و از صلوات بر من تغافل نماید، خداوند او را از راه بهشت منحرف سازد».²⁹

راستی چرا حضرت صادق♦ می‌فرمایند آن فردی که در خانه کعبه وارد شده و دعائی جز صلوات نکرده به پربهاترین بهره‌ها دست یافته است؟ آیا این بدان جهت نیست که نزدیکی به مقام رسول خداﷺ نزدیکی به حقیقت جامع اسماء الهیه است، مقامی که همه کمالات در جان مقدس او جمع است؟

صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

.....
و آیا این نزدیکی، نزدیکی به
پربهاترین بهره‌ها نیست؟
مقام قدسی پیامبر^ﷺ مقام
جامعیت همه اسماء الهی است،
زیرا از طرفی اسم «الله»، اسم جامع
حضرت احد است و پیامبر^ﷺ مأمور
به دعوت به «الله» است و خداوند به
او فرمان داده که: «قُلْ هَـذِهِ
سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ»³⁰،
ای پیامبر! بگو این است راه من
که از سر بصیرت دعوت به «الله»
بکنم.

وقتی متوجه شدیم «الله» اسم جامع
الهی است و پیامبر^ﷺ مأمور به
دعوت بشریت است به اسم «الله»،
یعنی هر چه همه پیامبران در
مقام نبوت‌های طول تاریخ دارند و
هر کدام وجهی از حقایق را به
بشریت عرضه کرده‌اند، آن حضرت
همه را دارند و همه حقیقت را به
بشریت ارائه می‌دهند، حال نزدیکی
به پیامبر^ﷺ یعنی نزدیکی به
چنین مقام جامعی. البته و صد
البته همان‌طور که عرض شد این به
شرطی است که تمام مظاهر این
مقام یعنی اهل بیت آن حضرت نیز
مورد توجه باشد. زیرا خود حضرت

46 ..صلوات بر پیامبرﷺ؛ عامل قدسی شدن

روح

رسولﷺ می فرمایند: «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ
وَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ آلِي لَمْ يَجِدْ رِيحَ
الْجَنَّةِ وَ إِنَّ رِيحَهَا لَتُوجَدُ مِنْ
مَسِيرَةِ خَمْسِ مِائَةِ عَامٍ»؛³¹ رسول
خداﷺ فرمود: هر کس بر من صلوات
فرستد و بر آل من صلوات نفرستد
بوی بهشت را که از مسافت پانصد
سال بوئیده شود، نبوید. این
بدین معنی است که آن مقام را
باید در همه مظاهرش مورد نظر
قرار داد تا به همه ابعاد آن
مقام نزدیک شده باشیم.

با توجه به مقام جامعیت ذات
قدسی پیامبرﷺ هیچ مانعی
نمی تواند بین او و خالق او قرار
گیرد، و هیچ چیزی نمی تواند حجاب
بین او و مقصد اصلی هستی یعنی
حضرت «الله» باشد و لذا وقتی
تقاضایی از حضرت پروردگار در
میان باشد اگر آن تقاضا در منظر
نور محمدیﷺ با خدا در میان
گذارده شود بدون حجاب بالا می رود
و پس زده نمی شود، امیرالمؤمنین
فرمود: «... مَنْ صَلَّى عَلَيَّ النَّبِيِّﷺ

31- «أ مالي الصدوق»، المجلس السادس و

صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن رو⁴⁷

.....
رُفِعَتْ دَعْوَتُهُ»؛³² هر کس صلوات بر پیامبر فرستد دعایش بلند شود.

و یا امام صادق **♦** میفرماید:
«مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَاجَةٌ فَلْيَبْدَأْ بِالصَّلَاةِ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ثُمَّ يَسْأَلْ حَاجَتَهُ ثُمَّ يَخْتِمُ بِالصَّلَاةِ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يَقْبَلَ الطَّرْفَيْنِ وَ يَدْعَ الْوَسْطَ إِذَا كَانَتِ الصَّلَاةُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَا تُحْجَبُ عَنْهُ».³³

هر کس به درگاه خدای **ﷻ** حاجتی دارد باید به صلوات بر محمد و آلش شروع کند، و سپس حاجت خود را بخواهد، و در آخر هم به صلوات بر محمد و آل محمد پایان دهد، زیرا که خدای **ﷻ** کریم‌تر از آن است که دو طرف دعا را بپذیرد، و وسط دعا را واگذارد و به اجابت نرساند زیرا صلوات بر محمد و آل محمد از او محجوب نیست.

در همین راستا آن حضرت می‌فرماید: «لَا يَزَالُ الدُّعَاءُ مَحْجُوبًا حَتَّى يُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».³⁴ پیوسته دعا محجوب است

32 - «بحار الأنوار»، الجامعة لدرر أخبار أئمة الأطهار، ج 10، ص 109.

33 - «الكافي»، ج 2، ص 494.

34 - «الكافي»، ج 2، ص 491.

48 .. صلوات بر پیامبر ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

تا بر محمد و آلش صلوات فرستاده شود.

و نیز می‌فرمایند: «مَنْ دَعَا وَ لَمْ يَذْكُرِ النَّبِيَّ ﷺ رَفَرَفَ الدُّعَاءُ عَلَيَّ رَأْسِهِ فَإِذَا ذَكَرَ النَّبِيَّ ﷺ رُفِعَ الدُّعَاءُ».³⁵ هر که دعائی کند و نام پیغمبر را نبرد آن دعا بالایی سرش (چون پرنده‌ای) بچرخد، و چون نام پیغمبر ﷺ را برد دعا بالا رود.

و نیز وقتی متوجه جایگاه مقام جامعیت رسول خدا ﷺ بودیم می‌فرمایند چرا امام معصوم می‌فرمایند در میزان اعمال انسان هیچ‌چیز به وزن صلوات بر محمد و آل او نخواهد بود. روایت می‌فرماید:

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا «عليهما السلام» قَالَ مَا فِي الْمِيزَانِ شَيْءٌ أَثْقَلَ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ إِنَّ الرَّجُلَ لَتَوْضَعُ أَعْمَالُهُ فِي الْمِيزَانِ فَتَمِيلُ بِهِ فَيُخْرِجُ ﷺ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ فَيَضَعُهَا فِي مِيزَانِهِ فَيَرْجَحُ بِهِ».³⁶

محمد بن مسلم از یکی از دو امام باقر و صادق «عليهما السلام» حدیث کند

35 - «الكافي»، ج 2، ص 491.

36 - «الكافي»، ج 2، ص 494.

صلوات بر پیامبر ﷺ؛ عامل قدسی شدن روزه 49

.....
که فرمود: در میزان چیزی سنگین‌تر از صلوات بر محمد و آل محمد نیست، و همانا مردی باشد که اعمالش را در میزان گذارند و سبک با شد، پس ثواب صلوات او درآید و آن را در میزان نهد پس به سبب آن سنگین گردد و بر کفه دیگر بچربد.

زیرا تمام اعمال اگر از منظر نور جامع محمدی انجام گیرد، حقانیت دیگری خواهد داشت و این در حالی است که در قیامت آنچه وزن دارد «حق» است و خدا فرمود: «وَالْوِزْنُ يُوَمِّئِدُ الْحَقَّ»³⁷ در آن روز وزن و سنگینی مربوط به حق است. و با نظر به مقام پیامبر ﷺ و اهل بیت آن حضرت ﷺ اعمال انسان به عالی‌ترین شکل خود جهت می‌گیرد و لذا در نهایت حقانیت واقع می‌شود، و صلوات بر محمد و آل او ﷺ موجب جهت‌گیری انسان به سوی آن ذوات مقدس حقانی در همه امور خواهد بود.

«زهد» و «مجاهده» و «کرم»

شاید بتوان خصوصیات پیامبر خدا ﷺ را در جمع‌بندی در سه صفت

50 ..صلوات بر پیامبرﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

«زهد» و «مجا هده» و «کرم» مد نظر قرار داد.

«زهد»؛ در مقام پیامبرﷺ یعنی حفظ حالت انس با خدا، و دوری از هر چیز که انس آن حضرت را با خدا قطع کند. پیامبرﷺ از طریق چنین زهدی دائماً توجه قلب خود را نسبت به حضور خداوند حفظ می‌کردند و قلب را در معرض تجلیات انوار الهی قرار می‌دادند و در مقام دائمی انس و خلوت با حق بودند و لذا هرچیزی که مانع چنین انس و ارتباطی بود، یا رهایش می‌کردند، یا تبدیلهش می‌کردند به چیزی که سیمای الهی داشته باشد و نه عامل حجاب حق شود، مثل خوردن غذا؛ آن حضرت غذا می‌خوردند تا بتوانند بندگی خدا را بهتر انجام دهند، نه اینکه در سیره ایشان نفس غذا خوردن مقصد باشد. لذا وقتی می‌گوییم مقام پیامبرﷺ مقام زهد است، بدین معنی است که چیزی نمی‌تواند او را از خلوت با حق بازستاند، و به همین جهت تا آخر عمرشان شرایطشان طوری بود که باران پرنعمت «وَحی» همچنان بر قلبشان سرازیر بود. اگر ازدواج می‌کنند و همسر اختیار می‌کنند،

صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن رواج

.....
ازدواج‌های قدسی دارند و در پرتو نور الهی وارد چنین اعمالی می‌شوند، و اگر هم بنا به مصالح اجتماعی آن زمان صلاح اسلام است که از قبیل‌های همسری انتخاب کنند و یا زن خاصی را به همسری اختیار کنند، و یا اگر سیاسی هم ازدواج می‌کنند، سیاست حضرت یک سیاست قدسی است و در راستای توسعه هر چه بیشتر اسلام در آن قبیل‌ها و آن خانواده، و نجات آن‌ها از آتش قیامت است. سیاست در مقام پیامبر^ﷺ همان حالت قدسی را دارد که نماز و روزه دارد و به همین جهت هم عامل ادامه وحی به قلب مبارک آن حضرت می‌شود. اگر ازدواج پیامبر^ﷺ مثل ازدواج آدم‌های عادی و با همان حال و هوای دنیایی بود، وحی الهی قطع می‌شد و ایشان هم یک آدم عادی می‌شدند. همین که وحی قطع نشده است، دلیل است که آن ازدواج‌ها الهی است و آن فعالیت‌ها حجاب ارتباط با عالم قدس نیست. پس اگر ازدواج‌های ایشان سیاسی است، این سیاست قدسی است و حجاب ارتباط با عالم قدس نمی‌گردد، و اگر از شمشیرشان در مقاتله با کفار خون می‌ریزد،

52.. صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

این همان صفت قهاریت پروردگار است که از دست و بازوی ایشان ظاهر شده، به عبارت دیگر جان و جسم پیامبر^ﷺ یک مدینه خداست روی زمین و یک لحظه از خدایی بودن جدا نیست.

صفت دیگری که پیامبر^ﷺ دارا بودند «مجاهده» است. بدین معنی که ایشان در راه تحقق اراده خدا بر روی زمین در هیچ جایی از پای ننشستند. نشاط دینی خود را با نپذیرفتن رفاه دنیایی، و همواره خانه به دوش بودن، برای حاکمیت اراده خدا، تحقق بخشیدند و حکم خدا را در جامعه گسترش دادند. و به واقع زندگی پیامبر^ﷺ سراسر چنین بود، در حدی که از طرف خدا آیه آمد ای پیامبر! «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ»؛³⁸

نزدیک است خود را به هلاکت اندازی از این که می‌بینی مردم ایمان نمی‌آورند.

«مجاهده» با «فنا» همراه است و فنا به این معنا است که انسان خود را نبیند و خدا را ببیند، و برای تجلی انوار الهی هر حجاب و مانعی را در جان خود بر طرف

صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن رسول^ﷺ

.....
کند، چه آن حجاب، حجاب خود
انسان باشد، چه حجاب وجود
مشرکین و کفار باشد. آنچه در
مجاهده مطرح است تلاش برای تحقق
ارادة خداوند و نفي خود و خودیت
است.

سومین صفتی که می توان برای
رسول خدا^ﷺ بر شمرد، «کرم» است.
«کرم» برای اهل ایمان، بهشت
است، و برای پیامبر^ﷺ، خداست.
وقتی گفته می شود اهل ایمان
کریم اند، بدین معنی است که
خودشان را به چیز دیگری جز به
بهشت نمی فروشند، و خود را هم سنگ
چیز دیگری مثل دنیا و آنچه در
دنیاست نمی کنند. ولی «کرم» برای
پیامبر^ﷺ به این معنی است که
هیچ چیز - حتی بهشت - هم سنگ آن
حضرت نیست. پیامبر^ﷺ در سیره
خود به ما نشان دادند که
مقامشان، مقامی است که حاضر
نیستند خود را هم سنگ کینه ها
نسبت به ابوسفیان ها کنند، اگر
به ابوسفیان و امثال او
می فرماید: «اذهبوا و
انتم الطلقاء!» بروید، من شما را
رها کردم، نشانه آن است که
آن همه فشار و ستم و زشتی و
پلشتی ابوسفیان و امثال او را

54 ..صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

نسبت به خود به چیزی نمی‌گیرند، چون کرم آن حضرت آنچنان است که چیزی را جز خدا هم‌سنگ خود نمی‌دانند و لذا در تمام حرکات و سکنات خود یک لحظه توجه جان را از حضرت حق به جایی دیگر معطوف نکردند و در همه چیز خدا را جستجو می‌نمودند.

هرکس را به آن اندازه که مظهر خداوند بود دوست می‌داشت و لذا زیر گلوی حسین[♦] را می‌بوسید، چون این گلو برای حاکمیت حق و نفی باطل بریده خواهد شد. همچنان که دست و لبان فاطمه^(ع) را می‌بوسید چون این دست و بازو به خاطر دفاع از حق تازیانه خواهد خورد، و از این لبها بزرگ‌ترین حق که همان دفاع از ولایت علی[♦] است جاری خواهد شد و نیز سر مبارک علی[♦] را می‌بوسید، چون این سر در جهت دفاع از حق شکافته می‌شود.

کرم رسول خدا^ﷺ آنچنان بزرگ و وزین است که در ترازوی چنین کرمی، کینه‌ورزی‌های ابوسفیانی مقدر ندارد تا بخواد قلب خود را مشغول آن کند.

شخصیت پیامبر^ﷺ از لحاظ اعمال دنیوی و روحانی معیاری است

صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن رسول^ﷺ

 انسانی همراه با تعادل کامل. به
 گفته مولوی در خطاب به رسول
 خدا^ﷺ:

نه ملک بودی و نه ای بشیرها، بشر

و در راستای چنین تعادلی،
 همراه با توجه قلبی به خدا است
 که می‌گوییم: آن بزرگوار در مقام
 «تعادل» و «فنا» بود. «تعادل»
 در جمع کردن قوای انسانی، و
 «فنا» در مقابل خدا. تعادل در
 این که مثل بقیه انسان‌ها غذا
 می‌خورد و ازدواج می‌کند، و فنا
 در این که هیچ‌کدام از امور
 دنیایی او را از نظر به خدا
 منصرف نمی‌کرد. به گفته مولوی:

این یکی نقش‌اش و آن دگر

این دهان‌ش و آن دگر با حیه

بای ظاهر در صف بای هیج فوق

شاخصه‌های شخصیت نبی اکرم^ﷺ

شاید بتوان صفات پیامبر^ﷺ را
 با مثلثی ترسیم کرد که در رأس
 آن «آرامش و صدق»، و در یک گوشه
 آن «کرم و شرف» و در گوشه
 دیگر «قدرت و قناعت» قرار دارد.

56 ..صلوات بر پیامبرﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

«آرامش و صدق» از آن جهت که اگر انسان مطمئن باشد همه چیز نزد خدا و در قبضة او است، و او مدبّر حکیم جهان است، از اضطراب نجات پیدا می‌کند و به آرامش می‌رسد، و اگر تمام وجود انسان را صدق و راستی فرا گیرد، و اساساً بنای بروز دروغ و پذیرش دروغ در جانش نباشد، همه چیز برای او روشن می‌شود. کسی که خودش را یا حقیقت را کج نکند و با چشم صدق و صادقانه به حقیقت نظر کند، حقیقت با او صادقانه بر خورد می‌کند. مقام او، مقام کشف و شهود می‌شود.

بنابراین لازمه رسیدن به کشف و شهود و دیدن هر چیز آن طور که هست، بسته به دو چیز است: یکی این که انسان متوجه باشد همه چیز در اختیار خداست، و او مدبّر حکیم است، تا به آرامش برسد. و دیگر این که با خود و دیگران صادق باشد، تا صدق نصیبش شود، و این دو صفت به نحوی کامل و بارز در وجود اقدس پیامبرﷺ نمایان بود.

سرمشق گرفتن از پیامبرﷺ مستلزم نزدیکی به چنان بینش و چنین روشی است. یعنی هم متوجه

صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن رو^{۵۷}

.....
با شیم همه چیز در قبضة خداوند
حکیم است، و هم سعی کنیم با
رشد دادن این عقیده و با تاسی به
رسول خدا^ﷺ، آرامش و صدق را در
شخصیت خود نهادینه کنیم و از
این طریق بتوانیم در شهود
محمدی^ﷺ شرکت جوییم.

قدرت و قناعت: از دیگر صفات
مربوط به مثلث شخصیت پیامبر^ﷺ
«قدرت و قناعت» است. قدرت به
معنی تسلط بر نفس؛ آن حضرت چنان
بر میل‌های بشری خود مسلط بودند
که هرگز هیچ میلی ایشان را به
دنبال خود نمی‌برد، بلکه آن حضرت
میل‌های بشری خود را جهت
می‌دادند. اگر هوس‌ها انسان را به
دنبال خود ببرد، انسان از
جامعیت خارج می‌شود و به افراط و
تفریط می‌افتد. ولی اگر هوس‌ها به
نور توحید و بر اساس حکم خدا،
در زیر چتر جامعیت روح انسانی
قرار بگیرند، هر میلی در جای
خود خواهد بود و در این صورت
است که انسان به تعادل می‌رسد.
کسی که تسلط بر میل‌ها ندارد،
قدرت ندارد، و کسی که قدرت
کنترل میل‌های بشری را ندارد،
مظهر قدرت خدا نیست. کسی که
اراده‌اش مظهر قدرت خدا نباشد و

58 ..صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

نتواند میل‌های خود را تسلیم حق کند، در عدم و پوچی به‌سر می‌برد، زیرا قدرت خدا یعنی وجودِ کل، و کسی که قدرت به معنای حقیقی ندارد، یعنی به قدرت خدا و به وجود مطلق وصل نیست، او عملاً به همان اندازه وجود ندارد، و لذا در و هم و پوچی به‌سر می‌برد. انسانی هم که نخواهد بر نفس امّارة خود تسلط و قدرت داشته باشد، نمی‌تواند به پیامبر^ﷺ نزدیک شود.

ما دو راه بیشتر نداریم: یا با توجه و تأسی به پیامبر^ﷺ به اصل خود برگردیم، یا با برگشتن به اصل خود، عملاً به پیامبر^ﷺ برگشت کنیم. به عبارت دیگر یا نهی‌بی به جان خود بزنیم که نهایت کمال خود را چه می‌خواهی بگیری؟ در آن حال می‌بینیم که پیامبر^ﷺ برای جان ما آشناست و آن نهایت کمالی که در جستجوی آن هستیم شخصیتی به‌جز شخصیت جامع رسول خدا^ﷺ نمی‌تواند باشد. در نتیجه به پیامبر^ﷺ نزدیکی پیدا می‌کنیم و در واقع او را آشنای جان خود می‌یابیم. و یا نظر به پیامبر^ﷺ می‌اندازیم می‌بینیم بهره‌ای از ایمان به آن حضرت در

صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

.....
عمق جان ما هست، پس یا از خود
به پیامبر^ﷺ می‌رسیم و یا از
پیامبر^ﷺ به خود. حال در هر دو
صورت نظر به مقام پیامبر^ﷺ
می‌کنیم، می‌بینیم مقام حضرت،
مقام جمع کردن میل‌هاست، در نتیجه
نظر به پیامبر^ﷺ قدرت تسلط بر
میل‌ها را به ما می‌دهد و موجب
پیروی بیشتری نسبت به آن حضرت
می‌گردد.

انسان‌هایی که اراده‌های آن‌ها
از هوس‌هایشان آزاد نیست، در
میان میل‌هایشان اسیرند و
نمی‌توانند فوق میل‌ها تصمیم
بگیرند، لذا میل‌ها برایشان
تصمیم می‌گیرند، چنین کسانی اصلاً
پیامبر^ﷺ را نمی‌فهمند و با افقی
که آن حضرت در آن به سر می‌برند،
هیچ آشنایی ندارند.

عرض شد یک گوشه از مثلث شخصیت
پیامبر^ﷺ «قدرت و قناعت» است،
حال وقتی انسان با نور قدرت
الهی بر میل‌های خود مسلط باشد،
حتماً قناعت در زندگی برایش ظاهر
می‌شود و لاجرم انسان برای سیر به
سوی حضرت پروردگار، از دنیا
کمترین استفاده را می‌کند، تا از
مقصد اصلی باز نماند. و در همین
راستا بود که گفتیم «کرم» یکی

60 ..صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

از صفاتی است که در سرمشق‌گرفتن از پیامبر^ﷺ ضروری است، چون وقتی دنیا گذرگاه بود، از آن در حدی که بتوانیم بگذریم استفاده می‌کنیم و لذا روحیه کرم در جان انسان ظاهر می‌شود. زیرا همچنان‌که عرض شد؛ کرم یعنی خود را هم سنگ بقیه نکردن و خود را گرفتار حرف و قصه دیگران ندمودن، و عالم را از چشم الهی نگاه کردن، تا آنجایی که حتی عالم را هم سنگ خود ندانیم. کسی که عالم را هم سنگ خود بداند و مشغول آن شود از انوار غیب و وَحی و الهام الهی محروم خواهد شد. ولی اگر کریمانه در حق دیگران نگاه کند، روح انسان گرفتار حجاب‌ها و ستیزه‌ها نمی‌شود. چنین روحی به راحتی به سوی عالم غیب پر می‌کشد و سیره و سنت پیامبر^ﷺ را می‌فهمد، و با فهمیدن سیره و سنت پیامبر^ﷺ او را نزدیکترین شخصیت نسبت به خود احساس می‌کند و لذا با تمام وجود سعی می‌کند سایه به سایه آن حضرت حرکت کند.

فراموش نکنیم غیبی‌ترین حقیقت در عالم امکان، مقام پیامبر اکرم^ﷺ است و لذا فرمود: «اَوَّلُ

صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن رواج

.....
ما خَلَقَ اللهُ نوري³⁹ اولین مخلوقی
که خداوند خلق کرد، نور من بود.
و چقدر پر برکت است نزدیکی به
این مقام منیع، شرایطی که فوق
حجابها بتوان از آینه وجود رسول
خدا^ﷺ، از انوار الهی بهره برد.
عرض شد ریشه آرا مش و سکون
رسول خدا^ﷺ بدان جهت است که
حجاب اشیاء را پشت سر گذاشته و
بدون واسطه، همه چیز را در قبضة
حق می بینند و لذا دیگر هیچ
اضطرابی برای آن حضرت نمی ماند و
در این حال دنیا و سببهای
دنیايي حجاب جانشان نمی شود که
بخوانند امور را به اسباب لرزان
نسبت دهند و از مسبب الاسباب باز
بمانند. مقام «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللهُ» از
یک جهت به همین معنا است و لذا
مقام قرآن که مقام قلب محمدی^ﷺ
است، آمده است تا ما را از
اصالت دادن به اسبابها آزاد کند
و بدون نفی اسباب و وسایل،
متوجه باشیم همه آن ها با همه
وجودشان در قبضة حق است. به
گفته مولوی:

همچنین ز آغاز دفع اسباب است

62.. صلوات بر پیامبرﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

اصلاً قرآن آمده است به ما بگوید همه کاره هستی خدا است، و ابزارها ظهور اراده حقانند. به تعبیر شهید مطهری «رحمة الله علیه» نقش و تأثیر ابزارها، بسط فاعلیت خداوند است و از خودشان و برای خودشان فاعلیت ندارند.⁴⁰ اگر انسان ابزارها و علتها را اینگونه دید مسلم به مقام آرامش می‌رسد و شرط این نوع نگاه، آزادشدن از حجاب اسبابها و ابزارها است. حال اگر کسی با توجه به حضور مطلق خداوند دلوپس داشتن و نداشتن ابزارهای لِرزان نبود، به مقام آرامش خواهد رسید و چنین کسی پیامبرﷺ را می‌شناسد و جایگاه او را در عالم می‌فهمد و می‌تواند او را اُسوه خود قرار دهد و افقی را که او می‌نمایاند درک کند و با آن حضرت به سر برد.

خداوند می‌فرماید: «آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ...»؛⁴¹ پیامبرﷺ و مؤمنین به آنچه بر رسول خدا نازل شده ایمان آورده‌اند. به عبارت دیگر آن‌ها جایگاه و مقام

40 - کتاب انسان و سرنوشت

41 - سوره بقره، آیه 285.

صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

وَحِي را می‌فهمند و در نتیجه به آن ایمان آورده‌اند، به این معنی که با قلب خود حقانیت آن را تصدیق کرده‌اند. خود پیامبر^ﷺ به شعوری رسیده‌اند که آنچه را برایشان نازل می‌شود می‌فهمند و به آن ایمان می‌آورند. مؤمنین هم در آینه وجود اقدس پیامبر^ﷺ مقام شعورِ فهمِ وَحِي پیامبری را پیدا کرده‌اند. البته هر کدام در مرتبه خودشان، عمده آن است که متوجه باشیم می‌شود در راستای ایمانی که رسول خدا^ﷺ به وحی دارند قرار گیریم و برایمان روشن شود راه ارتباط با قلب پیامبر^ﷺ - که همان ایمان به وحی است - بسته نیست، و این ارتباط هم يك ارتباط تکوینی است و نه اعتباری، یعنی يك نوع اتحاد است با قلب رسول خدا^ﷺ در عین حفظ مراتب.

آری! قناعت در برابر دنیا به همان معنی که عرض شد، یکی از صفات پیامبر^ﷺ است. این قناعت است که سبب مقام «الْفَقْرُ فَخْرِي»⁴² می‌شود، یعنی این قدر خدا را می‌خواهد که پیرو آن خداخواهی

64 ..صلوات بر پیامبرﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

هیچ چیز دیگر را نمی‌خواهد و در واقع طالب یک نحوه فاصله‌گرفتن از دنیا است، و نداشتن دنیا را نردبانی قرار می‌داد برای بیشتر خواستن خدا. قناعت یعنی از دنیا کم خواستن، نه این‌که مال دنیا کم در اختیار من است، من هم به آن کم راضی هستم. شخص قانع چه در دریای امکانات دنیایی باشد، و چه در کویر نداشتن، در هر دو صورت از دنیا کم می‌خواهد، و فوق داشتن و نداشتن زندگی می‌کند. لذا تأکید ما این است که باید به نور رسول خداﷺ، نسبت به داشتن دنیا قانع شد تا بتوان به صفات پیامبرﷺ نزدیک شد و وحی را شناخت و مفتخر به مقامی شد که قرآن در مورد آن می‌فرماید؛ «آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ...».

کرم و شرف : سومین زاویه از مثلث شخصیت پیامبرﷺ «کرم و شرف» بود. پیامبرﷺ متوجه بودند به عنوان یک انسان، خداوند خطاب به ایشان فرموده: «... خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً...»⁴³ همه عالم را برای شما انسان‌ها

صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن رسول^ﷺ

آفریدم، که برتر از دنیا و ما
فیها هستند. و جدی گرفتن این
توجه و شعور و خود را گرفتار
دنیانکردن، باعث شد که شایسته
دریافت وحی الهی شوند.
یکی از بزرگان میگوید:

«وقتی خداوند دید که پیامبر^ﷺ
اولاً؛ برای خودش به ذاته هیچ
چیزی قائل نیست، ثانیاً؛ دنیا را
آن چیزی نمی داند که برای خود
کسب کند و جذب آن شود، او را
شایسته دید که اراده خود را از
طریق وجود صاف و زلال ایشان به
بشر برسد.»

پیامبر^ﷺ برای خودش چیزی قائل
نیست که بخواهدنظر خود را در
اراده خدا داخل کند، برای غیر
خدا هم چیزی قائل نیست که
بخواهد آن ها را هم سنگ فرمان
الهی قرار دهد، و لذا در مقام
«کرم و شرف» قرار می گیرد.

رمزالرموز شایستگی برای
دریافت وحی آن است که حضرت نه
تنها خود را هم سنگ کینه ورزی های
ابوسفیان ندید، حتی کل دنیا را
هم سنگ خود نمی بیند و لذا توجه
جان خود را به عالم قدس و ملکوت
می اندازد و از این طریق انسان
زمینی آسمانی می گردد.

ای سرآبا عقل اند چه جسمی

توجه داشته باشید که هر کس به اندازه‌ای که خودش را قیمتی‌تر از دنیا دید، شرافت و جود پدید می‌کند و دیگر خودش را به دنیا نخواهد فروخت و به راحتی از دنیا و آنچه دنیایی است کریمانه می‌گذرد. چنین کسی است که شایسته می‌شود تا خدا او را بخرد، و قلب او را شایسته ابلاغ پیام خود به بشریت قرار دهد. و از این طرف هم هرکس به اندازه‌ای که به چنین شعوری از شرف و کرم رسید، جایگاه قرآن را می‌شناسد و اشارات آن را می‌فهمد، زیرا خطاب قرآن به آنهایی است که فهمیده‌اند قیمتی‌تر از آن هستند که هم‌سنگ دنیا باشند. می‌فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»⁴⁴ این کتاب بدون شک برای اهل تقوا که می‌خواهند آلوده دنیا نشوند راهنما است، و در واقع غذای جان آنها است. قرآن مقام‌ها و بطن‌ها دارد، هر کس به اندازه‌ای که با برتر دانستن خود از دنیا، معنوی شده است، از معنویت و بطن و

صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن رو⁶⁷

.....
مقام قرآن برخوردار می‌شود.
پیامبر^ﷺ که مطلق معنویت در
عالم امکان است، مطلق فهم و وحی
را نصیبشان کرده‌اند.

هرکس به اندازه‌ای که شرافت
وجودی دارد و کریمانه از هر
آنچه دنیایی است می‌گذرد، به
همان اندازه قلبش استعداد پذیرش
حق را پیدا می‌کند و لذا از شعور
برتر برخوردار می‌شود و از حیات
و شعور حیوانی به حیات و شعور
الهی منتقل می‌شود. به همین جهت
خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ
إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...»⁴⁵ ای
مؤمنین که به دنبال حقایقی برتر
از زندگی دنیایی هستید، دعوت
خدا و رسول را اجابت کنید،
آن‌گاه که شما را دعوت می‌کند تا
زنده‌تان گرداند. زیرا:

غیر فهم و جان آدمی ما فهم و

شرافت وجودی داشتن یعنی خود
را به پستی‌ها نفروختن و قطب جان
را به افقی بسیار بالاتر از ظاهر
دنیا سوق دادن. شما بر جمال
پر جلال محمدی^ﷺ نگاه کنید، آن
وقت می‌بینید که این جمال پر جلال

68 ..صلوات بر پیامبرﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

اصلاً خودش را به چیزی کمتر از خدا نفروخت و ارزان هم نفروخت تا به بهشت را ضی شود، وگرنه معراج نصیبش نمی‌شد. گفت:

من فدای آنکه جز به آن سلطان با

من فدای آن هر کوه به غیر کعبا

این شما و این سیره حضرت، سراسر وجودشان طلب عالی‌ترین حقیقت عالم یعنی «الله» است و برای به دست آوردن نور بی‌واسطه خداوند از هیچ کاری فروگذار نکردند.

توجه به پیامبرﷺ از زاویه فوق، در انتخاب دین و عمل به آن بسیار مهم است و همه حرف دین همین است که:

ای بلند نظر شاهان نشین تو نه این کنج

تو ما ز کنگره نمانت که ده

آن‌هایی که خودشان را در مراتب پایین نمی‌پسندند و در نتیجه به دنیا نزدیک نشدند و هم‌سنگ دنیا نگشتند، دست به دامان نور محمدیﷺ و وحی الهی که از سینه مبارک او بر بشریت جاری شد، می‌زنند. و رسول خداﷺ از این طریق باعث نجات انسان می‌شوند و شرافت وجودی انسان‌ها را به آن‌ها

صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

برمی‌گردانند، و از طریق این برگشت به شرافت و جود، طریق توجه به حق شروع می‌شود.

آرامش و صدق: عرض شد یکی از زوایای مثلث شخصیت رسول خدا^ﷺ، «آرامش و صدق» است. عنایت داشته باشید که پیامبر^ﷺ مظهر صدق‌اند، صدق در برابر خدا، به طوری که وجود آن حضرت عین صدق است و هیچ نحوه و هم و کذبی در عقیده و عمل آن حضرت وجود ندارد، هم غیر واقعی بودن باطل را می‌بیند و هم حق بودن حق را می‌شناسد و هم عمل او مطابق واقعیت است. قرآن در توصیف این بُعد از شخصیت حضرت می‌فرماید: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ»⁴⁶ او از سر میل خود هیچ سخنی نمی‌گوید، بلکه سراسر وجودش تابع وحی الهی است. تا آنجا که می‌فرماید: «مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ»⁴⁷ قلب او آنچه را دید، دروغ ندید. چون از حجاب مذیت آزاد است و لذا فقط به حق نظر دارد. حال از این طرف؛ اگر کسی در ابعاد عقیدتی و عملی به صدق نزدیک شود و سعی کند عقیده حقی پیدا کند که از وهم و گمان پاک

46 - سوره نجم، آیه 3.

47 - سوره نجم، آیه 11.

70 .. صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

باشد، و اعمالی مطابق با واقعیت داشته باشد، شایسته می شود که خداوند شوقی در او ایجاد کند تا پیامبر^ﷺ را سرمشق خود قرار دهد، وگرنه چنانچه انسانی نه دغدغه غیر حق بودن عقایدش را داشته باشد و نه نگران غیر واقعی بودن اعمالش باشد، چگونه می تواند دست به دامن رسول خدا و شریعت محمدی^ﷺ بزند؟!!

اگر انسان از صدق بی بهره شد عملاً چه خواهد و چه نخواهد از پیامبر^ﷺ که رحمة للعالمین است محروم شده است. لذا حضرت امام عسکری[♦] می فرماید: «جُعِلَتْ الْخَبَائِثُ كُلُّهَا فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهَا الْكَذِبُ»⁴⁸ همه پلیدی ها در خانه ای نهاده شده و کلید آن دروغ و عدم صداقت است. به همین جهت است که عرض می کنم هرچه از کذب فاصله بگیریم و به صدق نزدیک شویم، به حقایقی که تجسم عینی آن وجود رسول خدا^ﷺ است نزدیک می شویم. باید با توجه به نور وجود مقدس رسول خدا^ﷺ تلاش کرد تا از صدق محروم نگردیم تا

صلوات بر پیامبر ﷺ؛ عامل قدسی شدن رواج

.....
از رحمة للعالمین محروم نشویم .
به اندازه ای که ملکه صدق سراسر
وجود مان را فرا گرفت، از نور
حضرت رحمة للعالمین بهره مندیم و
این همان نزدیکی به کسی است که
خدا و ملائکه بر او درود و صلوات
می فرستند، کسی که کروبیان عالم
قدس بر او نظر دارند و از
انوارشان او را برخوردار
می کنند. مقام رحمة للعالمین
مقامی است که همه فیض های عالم
اعلی بر جان او سرازیر است. حال
به اندازه ای که انسان در تمام
وجود صادق شد، به رحمة للعالمین
- یعنی پیامبری که از یک طرف بستر
قبول فیض از عالم قدس، و از طرف دیگر
منشأ فیض های بزرگ و فیضان الهی به
عالم هستی است - نزدیک می شود.

فراز اخیر را که مثلث شخصیت
پیامبر بود به این صورت می توان
جمع بندی کرد که:

الف: آرامش و صدق حضرت موجب
اطمینان به مدیریت حق و عدم
نگرانی از جریان های باطل می گردد
و این نحوه دیدن، دیدن راستینی
است که هیچ حجابی نمی تواند آن
حضرت را از حقیقت جدا کند و
گرفتار وهم و منیت نماید.

ب: کرم و شرف آن حضرت موجب
می شود تا نظر مبارک خود را از

72 ..صلوات بر پیامبرﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

حق به چیز دیگری منصرف نکند و هیچ چیز را هم سنگ اُنس با خدا نداند و لذا برای هر چه بدشتر نزدیکی به خدا، از همه چیز کریمانه بگذرد.

ج: قدرت و قناعت آن حضرت موجب تسلط بر نفس امّاره و میل های سرکش آن حضرت می شود و لذا برای نظر دائمی به حضرت حق به حداقل دنیا قناعت می کنند. زیرا اولاً؛ با تسلط بر نفس امّاره، دیگر میل زیاده خواهی در میدان شخصیت آن حضرت حضوری ندارد. ثانیاً؛ آنچنان نور الهی جذاب و مطلوب است که دنیا در مقابل آن نور، نوری نخواهد داشت که نظر حضرت را به خود جلب کند.

سرمشق گرفتن از پیامبرﷺ به این معنی است که حضرت را، راه زندگی و راه عبور از دنیا به سوی حقایق عالم بدانیم و صفات آن حضرت را مدّ نظر قرار دهیم تا این عبور امکان پذیر شود. همچنان که قبلاً عرض شد آنچه در شخصیت حضرت فوق العاده مهم است هماهنگی این صفات است، به طوری که او در عین بشربودن و برآورده کردن میل های بشری اش، این همه از دنیا به سوی عالم معنا سیر کرده است.

صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

پیامبر^ﷺ؛ تعین توحید

صلوات بر پیامبر^ﷺ و آل او^ﷺ به معنی نظر به چنین شخصیتی است که موجب عبور انسان از همه کاستی‌ها و نقص‌ها به سوی کمال انسانی است تا بتواند با استقرار در آن کمال جامع، شایسته قرب به خدا شود.

امامان معصوم^ﷺ تعین اسماء حسنای الهی

در روایتی سراسر رمز و راز وجود مقدس حضرت ثامن الائمه[♦] راه بسیار با برکتی را نشان می‌دهند و می‌فرمایند:

«مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَيَّ مَا يُكَفِّرُ بِهِ ذُنُوبَهُ فَلْيُكْثِرْ مِنَ الصَّلَوَاتِ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ فَإِنَّهَا تَهْدِيُمُ الذُّنُوبَ هَدْمًا وَقَالَ[♦] الصَّلَاةُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «التَّسْبِيحُ» وَ «التَّهْلِيلُ» وَ «التَّكْوِينُ»⁴⁹.

هر که توانا بر کفاره گناهانش نیست بسیار صلوات بر محمد و آل محمد فرستد که آن گناهان را منهدم نماید، آن هم انهدامی

74 ..صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

مطلق. و نیز فرمودند: صلوات بر محمد و آل محمد نزد خدای^ﷻ برابر با «تسبیح» و «تهلیل» و «تکبیر» است.

اگر به راستی حضرت محمد^ﷺ و آل او^ﷺ مجسمه کامل عصمت و پاکی از هر گناهی اند، چرا رویکرد به آنها از طریق صلوات، سراسر گناهان را منهدم نکند؟ و از این مهم‌تر حضرت می‌فرمایند: صلوات بر محمد و آل محمد برابر است با «تسبیح» و «تهلیل» و «تکبیر» پروردگار. یعنی وقتی نظر جان را به پیامبر^ﷺ و آل او^ﷺ انداختی آنها را تجسم و تعین تسبیح حق و سبحان‌الهی پروردگار می‌بینی و به عظمت حضرت رب پی می‌بری و نیز آنها را نمایش یگانگی خدا می‌بینی که چگونه با تجلی توحید الهی بر جان آنها، سراسر وجود آنها در زیر نور یگانگی حق، به یگانگی و جامعیت رسیده، و نیز آنها را نمایش کبریایی حق می‌یابی. این به یک اعتبار همان سخنی است که رسول خدا^ﷺ در باره خود فرمودند: «وَمَنْ رَأَى فِقْدَ رَأَى الْحَقَّ»،⁵⁰ هرکس مرا ببیند حق

صلوات بر پیامبر^ص؛ عامل قدسی شدن روح

.....
را دیده. آری! اگر کسی به دنبال
توحید مجسم و متعین است باید
نظر به جان مقدس اهل بیت^{علیهم السلام}
بیندازد. تا ببینی:

لطف شاهانه جان چون آینه کوه

لطف عقل خویش چون همه تر ماه

عشق اشک چون ده آمد

هماهنگی مطلق مربوط به ذات
خداوند و حضرت «أحد» است که همه
صفاتش عین ذاتش است، و در عین
یگانگی همه کمالات را دارا است،
به طوری که او هم «حي» است و هم
«علیم» است و هم «قدیر» و...
ولی در عین حال یگانه است، و
همانطور که عرض شد صفاتش عین
ذاتش است و لذا کمال مطلق است و
ناقص نیست که بُعدی از او حی
باشد و بُعد دیگرش علیم، به همین
جهت أحد فقط خودش را میخواهد،
چون غیر أحد، به هر اندازه که
غیر اوست، کثیر است، و دارای یک
نحوه نقص و فقدان است، و انسان
نیز با هماهنگ کردن میلها و قوای
خود به نور شریعت الهی، شایسته
قرب به حضرت أحد میشود.
بنابراین هرکس که به احدیت
وجودی خود دست پیدا نکرده و هر

76 ..صلوات بر پیامبرﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

می‌دلی او را به سوی می‌کشانند، شایسته قرب الهی نیست. مقام پیامبرﷺ با هماهنگی آن صفات و احاطه بر امیال خود در شرایط احدیت انسانی هستند، به طوری که تمام فضائل مکمل یکدیگر را در جان خود به تعادل رسانده‌اند. و جایگاه شریعت محمدی برای چنین تعادلی است تا انسان‌ها به یگانگی شخصیت برسند و بتوانند به آن یگانه مطلق نزدیک شوند، چنین انسانی به نور محمدیﷺ نسبت به احدیت ذاتی در شرایط قرب است.

به پیامبرﷺ نگاه کنید! آن حضرت میل به غذا دارند، میل به همسر دارند، در عین حال در مقام ارتباط با خداوند قرار دارند، به طوری که وحی الهی بر قلب مبارک ایشان سرازیر می‌شود، و میله‌های غریزی ارتباط آن حضرت را با عالم غیب مختل نکرده است. چون همه این میله‌ها در مقام یگانه قرار گرفته‌اند و لذا هر میله‌ای جای خودش است و هیچ میله‌ای به افراط نرفته تا میل دیگری به تفریط برود و این نهایت کمال برای مخلوق است. آری! انسان کامل همه میله‌های طبیعی‌اش در زیر

صلوات بر پیامبرﷺ؛ عامل قدسی شدن رو 77

نور اَ حَديّ شخِصیتش مقدّهور است. مقام جامع پیامبرﷺ یعنی مقامي که تمام تمایلاتشان و تمام فضائلشان در يك هماهنگی کامل و در پناه ذات اَ حَديّ قرار گرفته است، به طوري که آن حضرت همه ميلهايي که یک انسان باید داشته باشد را دارند و هیچ کدام را هم سرکوب نکرده اند، ولي چون نظر به حضرت اَ حَديّ دارند، اين ميلها ایشان را از وحدت شخِصیت خارج نمی‌کند. و لذا راهي شدند تا اگر انسان می‌خواهد به وحدت شخِصیت برسد آن حضرت را مدّ نظر قرار دهد.

صلوات مکرر بر پیامبرﷺ به این معنی است که دائماً آن حضرت را مدّ نظر قرار دهیم. در همین راستا حضرت عليؑ می‌فرماید: «فَأَكْثِرُوا مِنَ الصَّلَاةِ عَلَيَّ نَبِيِّكُمْ» «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَيَّ النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيَّ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا»⁵¹ بر پیامبر زیاد صلوات بفرستید، زیرا که خداوند و ملائکه بر او صلوات می‌فرستند، پس اي مؤمنين شما هم

78. صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

بر او صلوات بفرستید و تسلیم او شوید.

و نیز از حضرت صادق داریم که:
إِذَا ذُكِرَ النَّبِيُّ^ﷺ فَأَكْثَرُوا الصَّلَاةَ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ النَّبِيِّ^ﷺ صَلَاةً وَاحِدَةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي أَلْفِ صَفٍّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَلَمْ يَبْقَ شَيْءٌ مِمَّا خَلَقَ اللَّهُ إِلَّا صَلَّى عَلَيَّ ذَلِكَ الْعَبْدُ لِصَلَاةِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ صَلَاةِ مَلَائِكَتِهِ وَ لَا يَرْغَبُ عَنْ هَذَا إِلَّا جَاهِلٌ مَغْرُورٌ وَ قَدْ بَرِئَ اللَّهُ مِنْهُ وَ رَسُوْلُهُ.⁵²

آن هنگام که پیامبر^ﷺ یاد شود و از او نامی برده شود، بر او بسیار صلوات فرستید، زیرا به راستی، هر که بر پیامبر^ﷺ یک بار صلوات فرستد خداوند هزار بار در هزار صف از فرشتگان بر او درود فرستد و هیچ آفریده‌ای باقی نمی‌ماند جز آن که به سبب درود خدا و فرشتگان بر آن بنده، بر او درود فرستند و هیچ کس از صلوات فرستادن رو برنتابد جز نادان گمراهی که خدا و پیامبرش از او بیزارند.

آخر حدیث می‌فرماید از صلوات بر پیامبر روی بر نمی‌تابد مگر نادان گمراهی که خدا و پیامبرش

صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

.....
از او بیزارند. زیرا کسی که آن حضرت را به عنوان اُسوة خود انتخاب نکرد چگونه می‌تواند با وجود امیدال سرکش به وحدت شخصیت برسد؟ لذا می‌فرماید زیاد صلوات بفرستید تا آن حضرت و آل او قبله محبت جان شما باشند، و بتوانید تماماً تسلیم فرمان شریعت الهی باشید و از جامعیت شخصیت که شرط قرب به نظام احدی است بهره‌مند گردید.

راه نجات از نفاق

از عظمت‌های توجه به وجود مقدس پیامبر^ﷺ این است که آن حضرت بشری است که متوجه ذات احدی شده است. بشر در موطن بشری‌اش گرفتار کثرت‌ها است و لازمه توجه به ذات احدی آسوده‌شدن از کثرت‌ها و فانی‌شدن در وحدت است، و جمع این دو حالت متضاد بسیار بسیار مهم است، به طوری که اگر نمونه عینی آن را نمی‌شناختیم می‌گفتیم غیر ممکن است. پس عنایت بفرمایید که پیامبر^ﷺ یعنی انسان خاکی که به واسطه نظر به ذات احدی، افلاکی شده است.

جنس عالم ماده حرکت و تضاد است و لذا شتاب و اضطراب لازمه

80 .. صلوات بر پیامبر ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

نظام مادی است و بر این اساس است که عرض می‌کنم؛ از نشانه‌های اَحَدی شدن آن وجود مقدس این‌که آن نفس از «آرامش و صدق» و «کرم و شرف» و «قدرت و قناعت»، به نحو کامل برخوردار است. این صفات نشان می‌دهد قلب آن حضرت در دنیا پراکنده نیست و در عین زندگی در عالم کثرات، از کثرت آزاد است و با صداقت در علم و عمل از همه ناهماهنگی‌ها با عالم کثرات نجات یافته و آنچنان در این صفات پایدار شده که هیچ حادثه‌ای او را از آن فضائل خارج نمی‌کند، و این نشان می‌دهد که به مرکز اصلی یگانگی یعنی ذات اَحَدی متصل است، در غیر این صورت اگر این صفات در رفتار او تصنعی بود بالاخره حادثه‌ها او را از جا به در می‌برد و برای یک مرتبه هم که شده چیزی خلاف آن صفات از او سر می‌زد. به همین جهت است که به ما نیز دستور داده‌اند از طریق صلوات بر پیامبر و آل او ﷺ روح خود را از نفاق یا دوگانگی بین ادعا و باور آزاد کنید.

صلوات بر پیامبر ﷺ؛ عامل قدسی شدن رواج

.....
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «ارْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ
بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ فَإِنَّهَا تَذْهَبُ
بِالنَّفَاقِ».⁵³

رسول خدا ﷺ فرمود: صداهاي خود را به صلوات بر من بلند كنيد، زيرا كه نفاق را برطرف مي سازد. مي فرمايد با صداي بلند بر آن حضرت صلوات بفرست تا جهت گيري شخصيت اجتماعيات نيز به سوي آن حضرت سير كند و در درون و بيرون وجودت، ارادت به آن حضرت نهادينه گردد و ديگر بين عقیده و عمل شما تضادي نباشد، و به عبارت ديگر نقص دينداري شما برطرف شود.

زراره از امام صادق **◆** نقل مي كند كه پرداخت زكات فطره، متمم روزه است. مانند صلوات بر پیامبر ﷺ كه سبب تماميت نماز است.⁵⁴ پس وقتي نقص نماز با صلوات بر پیامبر و آل او **ﷺ** مرتفع مي شود، نفس صلوات و توجه به مقام دينداري مجسم، يعني توجه به پیامبر و ائمه معصومين **ﷺ** موجب از بين رفتن نفاق مي گردد و مي فرمايند صلوات را بلند اداء كنيد تا شخصيت

53 - «الكافي»، ج 2، ص 493

54 - «جامع احاديث شيعه»، ج 5، ص 335.

82 ..صلوات بر پیامبر^ص؛ عامل قدسی شدن روح

اجتماعی شما به عنوان انسانی که وفادار به خاندان عصمت و طهارت است تثبیت گردد.

پیامبر^ص؛ گمشده جان انسانها

هرکس که پیامبر^ص را بخواند و نظر به آن حضرت بکند، حضرت را می‌باید چون حقیقت و جود مقدس پیامبر^ص در جان هر انسانی کاشته شده است و در واقع با توجه به پیامبر و فضائل آن حضرت یک نحوه یادآوری برای ما پیش می‌آید. به گفته حافظ:

آشنایی نه غریب چون من از خویش

عمده آن است که متوجه باشیم تا پای خودبینی‌ها و منیت‌ها در میان است آن آشنای جان ظاهر نمی‌شود، ولی اگر به جای نظر به خود، نظر را متوجه وجود نوری پیامبر^ص کردیم و موجب جلب نظر مبارک آن حضرت شدیم، نظر مبارک پیامبر^ص به جان هر انسان موجب به خود آمدن او خواهد شد. نظر کردن آن حضرت به جان هرکس یعنی بازگشت شرافت به انسان و این‌که او وارد عالم صداقت گردد، زیرا با توجه به فطرت نورانی هر

صلوات بر پیامبرﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

.....
انسانی اگر جان انسان در تصرف آن شریف قرار گرفت، شریف می‌شود و اگر در تصرف قدرت محمدیﷺ قرار گرفت، قدرت تسلط بر نفس اماره را می‌یابد و عملاً به گمشده خود دسترسی پیدا می‌کند. کافی است که حضرت را بخواهی و به او نظر کنی، آنگاه او نظر به تو می‌کند و با نظر مبارک او خود را می‌یابی.

در چمن باد بهادی به هوادادی از

جایگاه زن در منظر پیامبرﷺ

روش پیامبرﷺ در قبال غذا و خواب «قناعت» است و شیوه ایشان در برابر زنان «کرامت» است، همان نگاهی که خدا به انسان‌ها دارد، پیامبرﷺ هم همان نگاه را دارند. شیطان و انسان‌های شیطانی بر زنان نظری پست دارند و برعکس نظر آن‌ها؛ نظر پیامبرﷺ است، که نظر خاصی بر نساء دارند. این نظر همان نظر کریمانه‌ای است که خداوند بر همه انسان‌ها دارد، محترم شمردن آن نوع از انسان که مادر همه انسان‌ها است، انسانی از جنس زن. زن به این اعتبار تشابه به حق دارد، خداوند از یک

84 .. صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

زاویه منشأ عالم و امّ هستی است، پیامبر^ﷺ نیز از زاویه دیگری انگیزه خلقت عالم و امّ هستی می‌باشد و زنان هم از نظر مسیر خلقت انسان‌ها ظهور امّیت الهی در هستی می‌باشند، همه انسان‌ها از زنان هستند و کرامت انسان به کرامت زنان است. از این‌جاست که می‌بینید پیامبر^ﷺ می‌فرمایند:

«حُبَّبَ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا ثَلَاثٌ ، النِّسَاءُ وَ الطَّيِّبُ وَ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ»⁵⁵

برای من پسندیده شده از دنیا سه چیز: زنان، و بوی خوش، و نور چشم من در نماز است». این نگاه کجا و نگاه آلوده امروز دنیا به زنان کجا؟ به اسم احترام به زنان آن‌ها را بازي می‌دهند و هسته توحیدی خانواده را مضمحل می‌کنند، تا دیگر نه زن، زن باشد و نه مرد، مرد. در حالی که تمام دستورات اسلام در مورد زنان در راستای حفظ کرامت آنان است.⁵⁶

قلبتان را در معرض شوق به پیامبر^ﷺ قرار بدهید، مثل چشمی است که در معرض نور قرار داده‌اید، دیگر لازم نیست به نور

55 - «بحار الأنوار»، ج 73 ، ص 141.

56 - به نوشتار «عوامل بحران خانواده و راه نجات از آن» رجوع شود.

صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن ر⁸⁵

.....
بگویید که بدرخشد، چرا که جنس نور، درخشیدن است. پیامبر^ﷺ مقام «لَوْلَاكَ لَمَّا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ»⁵⁷ است، و خداوند به آن حضرت خطاب فرمود: اگر تو نبودی، افلاک را نمی‌آفریدم؛ به این معنی که خداوند در خلقت عالم نظر به نور پیامبر^ﷺ داشت و بر اساس ظهور مقدس او عالم ایجاد شد تا بستر ظهور نور رسول خدا^ﷺ باشد، لذا نور وجود مقدس حضرت است که به تمام موجودات معنی می‌دهد و جایگاه هرچیزی را تعیین می‌کند. در تجربه نیز مشخص شده هر اندازه که انسان‌ها از آن حضرت فاصله بگیرند گرفتار پوچی و افسردگی و بی‌هویتی می‌شوند، و عملاً معنی خود را گم می‌کنند. حال اگر به مقام رسول خدا^ﷺ نظر کنید، بر جانتان نور می‌افشاند و راه رسیدن به نقطه کمال را می‌نمایاند و رعایت شریعت محمدی^ﷺ وسیله جذب آن نور مبارک است. شریعت اسلام آمده است تا ما را به مقام تعادل احدی محمدی^ﷺ نزدیک کند و از این طریق به همه زندگی ما معنی ببخشد.

86 .. صلوات بر پیامبر ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

شریعت اسلام را باید با این منظر نگاه کرد تا علاوه بر تخلق به فضائل آن حضرت به قلبشان نیز نزدیک شویم و به زندگی خود و به فلسفه وجودی عالم معنی ببخشیم، به خصوص در زمانی که جهان از پوچی و بی‌معنایی در رنج است. چون در هنگام ذکر صلوات لازم است ذات مقدس رسول خدا ﷺ و اهل بیت طاهرینش علیهم‌السلام را مد نظر داشته باشیم، بدان جهت با نقل روایتی در اوصاف آن حضرت، بحث خود را تمام می‌کنیم و سپس به پرسش‌هایی که عزیزان فرموده‌اند، می‌پردازیم.

سیمای رسول خدا ﷺ

گفت:

این دهان بر بند آمد جز حدیث روی

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ♦ قَالَ: قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ «عليهما السلام» سَأَلْتُ خَالَي هَذَا بَنَ أَبِي هَالَةَ عَنْ حَلِيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ كَانَ وَصَافاً لِنَبِيِّ ﷺ فَقَالَ:

در کتاب عیون اخبار الرضا؛ امام رضا ♦ از پدران بزرگوار خود، از امام مجتبی علیه‌السلام نقل کردند که آن حضرت چنین فرمود: از

صلوات بر پیامبر ﷺ؛ عامل قدسی شدن رو 87

.....
دا ئیام هند بن ابی هاله که
پیامبر اکرم ﷺ را خوب وصف
می نمود در باره اوصاف و شمائل
آن حضرت سؤال کردم، او چنین
گفت:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَخْمًا مُفَخَّمًا يَتَلَأَلُ
وَجْهُهُ تَلَأُ وَ الْقَمَرِ لَيْدَةَ الْبَدْرِ
أَطْوَلَ مِنَ الْمَرْبُوعِ وَ أَقْصَرَ مِنَ
الْمُشَدَّبِ عَظِيمِ الْهَامَةِ رَجِلَ الشَّعْرِ
إِذَا انْفَرَقَتْ عَقِيْقَتُهُ فَرَقَ وَ الْآفِلَا
يُجَاوِزُ شَعْرَهُ شَحْمَةً أُذْنِيهِ إِذَا هُوَ
وَفَرَهُ أَزْهَرَ الدَّوْنَ وَاسِعَ الْجَبِينِ
أَرْجَ الْحَاجِبَيْنِ سَوَابِغٍ فِي عَيْرِ قَرْنٍ
بَيْنَهُمَا عِرْقٌ يُدْرُهُ الْغَضَبُ أَقْذَى
الْعِرْنَيْنِ لَهُ نُورٌ يَعْלוهُ يَحْسَبُهُ مَنْ
لَمْ يَتَأَمَّلْهُ أَشَمَّ كَثَّ اللَّحِيَةِ سَهْلَ
الْخَدَيْنِ ضَلِيْعَ الْفَمِ أَشْنَبَ مُفْدَجِ
الْأَسْنَانِ دَقِيْقَ الْمَسْرُوبَةِ كَأَنَّ عُنُقَهُ
جِيْدُ دُمِيَةِ فِي صَفَاءِ الْفِيْضَةِ مُعْتَدِلَ
الْخَلْقِ بَادِنَا مُتْمَاسِكًا سَوَاءَ الْبَطْنِ
وَ الصَّدْرِ بَعِيْدَ مَا بَيْنَ الْمَنْكَبَيْنِ
ضَخْمَ الْكَرَادِيْسِ أَنْوَرَ الْمُتَجَرِّدِ
مَوْسُوْلَ مَا بَيْنَ اللَّبَّةِ وَ السُّرَّةِ
بِشَعْرِ يَجْرِي كَالْخَطِّ عَارِي الثَّدْيَيْنِ وَ
الْبَطْنِ وَ مَا سِوَى ذَلِكَ أَشْعَرَ
الدَّرَاعَيْنِ وَ الْمَنْكَبَيْنِ وَ أَعَالِي
الصَّدْرِ طَوِيْلَ الزُّنْدَيْنِ رَحْبَ الرَّاحَةِ
شَثْنِ الْكَفَّيْنِ وَ الْقَدَمَيْنِ سَائِلِ

88 .. صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن

روح

الْأَطْرَافِ سَيْطَ الْعَصَبِ خُمْصَانَ الْأَخْمَصِينَ
فَسِيحَ الْقَدَمَيْنِ يَنْبُو عَنْهُمَا الْمَاءُ .

حضرت رسول^ﷺ بسیار با هیبت بودند، چهره ایشان همچون ماه شب چهاردهم می درخشید، با قدی بلندتر از افراد متوسط القامه و کوتاه تر از افراد لاغر و بلند قامت، و دارای سری بزرگ بود، موهای آن حضرت نه خیلی مجعد بود و نه کاملاً صاف و نرم، اگر قسمت بافته موهای ایشان باز می شد، حضرت فرق باز می کردند و إلا آن را به حال خود گذاشته و در هر حال در مواقعی که موی خود را بلند می کردند بلندی مو از لاله گوش تجاوز نمی کرد، رنگشان درخشان بود، پیشانی پهن و ابروانی کشیده و کمانی داشتند، و ابروان آن حضرت در عین کشیده بودن، کامل و پر مو بود ولی پیوسته نبود، و هر گاه عصبانی می شدند، رگ میان ابروهایشان متورم می شد، بینی آن حضرت باریک و در وسط کمی برجسته بود، نورانی تی داشتند که همیشه آن حضرت را در بر داشت، به قسمی که کسی که در او تأمل نداشت متکبرش فکر می کرد.

محاسن آن حضرت کوتاه و پر پشت بود، و گونه‌هایشان هموار و کم گوشت، دهانشان بزرگ و دندان‌هایشان سفید و براق بود، رشته مویی نازک از گردن یا سینه تا ناف داشتند، گردن او گوئی تنگی نقره فام بود.

خلقتی هم‌گون داشتند، بدنشان فربه بود و در عین حال سینه و شکم در یک سطح قرار داشت، شانه‌هایی پهن و عضلانی و بدنی سفید و نورانی داشتند.

از زیر گردن آن حضرت تا ناف، رشته مویی نازک مثل یک خط قرار داشت، پایین سینه و شکم مبارک ایشان و سایر قسمت‌ها عاری از مو بود، و درمقابل، ساعد، شانه‌ها، و بالای سینه‌شان پر مو بود، ساق دست‌شان کشیده، کف دست‌شان درشت و دست‌ها و پاهای مبارکشان زبر بود، دست و پاهایشان متناسب و استخوان‌هایشان صاف و بدون کجی بود.

کف پاهایشان کاملاً گود بود، قسمت قوزک پا به پایین (که معمولاً داخل کفش قرار می‌گیرد) خیلی پر گوشت نبود، و آب از روی پایش رد می‌شد و نمی‌ایستاد.

90 ..صلوات بر پیامبرﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

چگونگی راه رفتن و نظر کردن حضرتﷺ

إِذَا زَالَ زَالَ تَقْلَعًا يَخْطُو تَكْفِيًا وَ
يَمْشِي هَوْنًا ذَرِيْعَ الْمَشِيَّةِ إِذَا مَشَى
كَأَنَّمَا يَنْحَطُّ مِنْ صَبَبٍ وَ إِذَا التَّفَتَّ
التَّفَتَّ جَمِيعًا خَافِضَ الطَّرْفِ نَظْرُهُ
إِلَى الْأَرْضِ أَطْوَلَ مِنْ نَظْرِهِ إِلَى
السَّمَاءِ جُلُّ نَظْرِهِ الْمُلَاحَظَةُ يَبْدُرُ مَنْ
لَقِيَهُ بِالسَّلَامِ .

وقتی به حرکت در می آمدند با قدرت قدم بر می داشتند، در حال حرکت کمی متمایل حرکت می کردند، با وقار و سریع راه می رفتند، گویا در سرازیری به سمت پایین در حرکتند، هنگامی که به چپ و راست رو می کردند با تمام بدن به آن سو رو می کردند، چشمانشان به زیر افتاده بود و نگاهشان به زمین طولانی تر از نگاهشان به آسمان بود، معمولاً خیره خیره نگاه نمی کردند، به هر کس می رسیدند، سلام می کردند.

چگونگی برخورد آن حضرتﷺ

قَالَ قُلْتُ صِفْ لِي مَنْطِقَهُ فَقَالَ كَانَ
ﷺ مُتَوَاصِلَ الْأَحْزَانِ دَائِمَ الْفِكْرَةِ
لَيْسَتْ لَهُ رَاحَةٌ وَ لَا يَتَكَلَّمُ فِي غَيْرِ
حَاجَةٍ يَفْتَتِحُ الْكَلَامَ وَ يَخْتِمُهُ
بِأَشْدَاقِهِ يَتَكَلَّمُ بِجَوَامِعِ الْكَلِمِ فَصْلًا

.....
 لَا فُضُولَ فِيهِ وَ لَا تَقْصِيرَ دَمِيثًا لَيْسَ
 بِالْجَافِي وَ لَا بِالْمَهِينِ تَعْظُمُ عِنْدَهُ
 النُّعْمَةُ وَ إِن دَقَّتْ لَا يَدُمُ مِنْهَا
 شَيْئًا غَيْرَ أَنَّهُ كَانَ لَا يَدُمُ ذَوَاقًا وَ
 لَا يَمْدَحُهُ وَ لَا تُغْضِبُهُ الدُّنْيَا وَ مَا
 كَانَ لَهَا فَإِذَا تُعْوَطِي الْحَقُّ لَمْ
 يَعْرِفْهُ أَحَدٌ وَ لَمْ يَقُمْ لِغَضَبِهِ شَيْءٌ
 حَتَّى يُنْتَصَرَ لَهُ وَ إِذَا أَشَارَ أَشَارَ
 بِكَفِّهِ كُلِّهَا وَ إِذَا تَعَجَّبَ قَلْبُهَا وَ
 إِذَا تَحَدَّثَ قَارَبَ يَدَهُ الْيُمْنِي مِنَ
 الْيُسْرِي فَضَرَبَ بِإِبْهَامِهِ الْيُمْنِي
 رَاحَةَ الْيُسْرِي وَ إِذَا غَضِبَ أَعْرَضَ
 بِوَجْهِهِ وَ أَشَاحَ وَ إِذَا فَرِحَ غَضَّ طَرْفَهُ
 جُلُّ ضِحْكِهِ التَّبَسُّمُ يَفْتَرُّ عَنِ مِثْلِ حَبِّ
 الْغَمَامِ .

امام حسن ♦ در ادامۀ
 می‌فرمایند: به او گفتم: گفتار
 آن حضرت را برایم وصف کن. گفت:
 آن حضرت پیوسته محزون و همیشه
 در فکر بودند، آسایش و راحتی
 نداشتند، در جایی که نیاز نبود
 سخن نمی‌گفتند. گفتارشان سنجیده
 و کامل بود، نه زیاده سخن
 می‌گفتند و نه کم، کلامشان متین
 بود، زشت و سبک صحبت نمی‌کردند،
 نعمت و محبت دیگران هر چند کم،
 در نظرشان بزرگ بود و چیزی از
 آن را مذمت نمی‌کردند، از طعم
 غذا، نه تعریف می‌کردند و نه

92 ..صلوات بر پیامبرﷺ؛ عامل قدسی شدن

روح

اظهار ناراحتی می‌کردند، دنیا آن حضرت را عصبانی نمی‌کرد، و وقتی پای حق در میان بود کسی ایشان را نمی‌شناخت و چیزی در مقابل غضبشان تاب مقاومت نداشت تا این‌که حق را پیروز گردانند، برای اشاره کردن با تمام دست اشاره می‌کردند و در هنگام تعجب دست خود را برمی‌گرداندند، و در هنگام صحبت دست راست را به دست چپ نزدیک کرده و با شست راست خود به کف دست چپ می‌زدند، و در هنگام غضب چهره خود را با ناراحتی برمی‌گرداندند، و در هنگام خوشحالی، چشم به زیر می‌انداختند، بیشتر خنده‌شان تبسم بود، بسیار زیبا لبخند می‌زدند و در هنگام خنده دندان‌های سفیدشان هویدا می‌شد.

قَالَ الْحَسَنُ ♦ فَكَتَمْتُ هَذَا الْخَبَرَ
عَنِ الْحُسَيْنِ ♦ زَمَانًا ثُمَّ حَدَّثْتُهُ
فَوَجَدْتُهُ قَدْ سَبَقَنِي إِلَيْهِ وَ سَأَلَهُ
عَمَّا سَأَلْتُهُ عَزَّهُ فَوَجَدْتُهُ قَدْ سَأَلَ
أَبَاهُ عَنْ مَدْخَلِ النَّبِيِّ ﷺ وَ مَخْرَجِهِ وَ
مَجْلِسِهِ وَ شَكْلِهِ فَلَمْ يَدَعْ مِنْهُ شَيْئًا.

امام حسن ♦ فرمودند: این حدیث را مدتی از حسین ♦ پنهان داشتم، سپس به او گفتم و دیدم قبل از من او از جندبن‌ابی‌هاله سؤال

صلوات بر پیامبر ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

.....
کرده است، و نیز متوجه شدم آن
بزرگوار از پدر خویش در باره
ورود و خروج و نشستن و شکل و
سیمای آن حضرت سؤال کرده و چیزی
باقی نگذاشته بود.

وضع حضرت ﷺ در خانه

قَالَ الْحُسَيْنُ ♦ سَأَلْتُ أَبِي ♦ عَنِ
مَدْخَلِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ كَانَ دُخُولُهُ
لِنَفْسِهِ مَا ذُوْنَا لَهُ فِي ذَلِكَ فَإِذَا
أَوَى إِلَيَّ مَنَزَلِهِ جِزْأً دُخُولُهُ ثَلَاثَةَ
أَجْزَاءٍ جِزْأً أَلِلَّهِ تَعَالَى وَ جِزْأً أَلِأَهْلِهِ
وَ جِزْأً أَلِنَفْسِهِ ثُمَّ جِزْأً جِزْأَهُ بَيْنَهُ
وَ بَيْنَ النَّاسِ فَيَرُدُّ ذَلِكَ بِالْخَاصَّةِ
عَلَيَّ الْعَامَّةِ وَ لَا يَدْخِرُ عَنْهُمْ مِنْهُ
شَيْئاً وَ كَانَ مِنْ سَيْرَتِهِ فِي جِزْأٍ
الْأُمَّةِ إِثَارُ أَهْلِ الْفَضْلِ بِإِذْنِهِ وَ
قَسَمَهُ عَلَيَّ قَدْرَ فَضْلِهِمْ فِي الدِّينِ
فَمِنْهُمْ ذُو الْحَاجَةِ وَ مِنْهُمْ ذُو
الْحَاجَتَيْنِ وَ مِنْهُمْ ذُو الْحَوَائِجِ
فَيَتَشَاغَلُ وَ يَشْغَلُهُمْ فِيمَا أَصْلَحَهُمْ وَ
أَصْلَحَ الْأُمَّةَ مِنْ مَسْأَلَتِهِ عَنْهُمْ وَ
إِخْبَارِهِمْ بِالَّذِي يَنْبَغِي وَ يَقُولُ
لِيُبَلِّغَ الشَّاهِدُ مِنْكُمْ الْغَائِبَ وَ
أَبْلِغُونِي حَاجَةَ مَنْ لَا يَقْدِرُ عَلَيَّ
إِبْلَاحَ حَاجَتِهِ فَإِنَّهُ مَنْ أَبْلَغَ سُلْطَاناً
حَاجَةَ مَنْ لَا يَقْدِرُ عَلَيَّ إِبْلَاحَهَا ثَبَّتَ
اللَّهُ قَدَمَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يَذْكَرُ
عِنْدَهُ إِلَّا ذَلِكَ وَ لَا يَقْبَلُ مِنْ أَحَدٍ

94 ..صلوات بر پیامبرﷺ؛ عامل قدسی شدن

روح

غَيْرِهِ يَدْخُلُونَ رُؤَاداً وَ لَا يَفْتَرِقُونَ
إِلَّا عَنْ ذَوَاقٍ وَ يَخْرُجُونَ أَدِلَّةً
فَقَهَاءً .

امام حسین ♦ فرمودند: از
پدرم ♦ در باره نحوه ورود حضرت
رسولﷺ سؤال کردم، پدرم
فرمودند:

در موقع ورود آن حضرت به خانه
خود از کسی اذن حاصل نمی نمود،
ولیکن در موقع ورود به خانه غیر
خود اذن می گرفت. وقتی به منزل
می رفتند وقت خود را سه قسمت
می کردند، یک قسمت برای خداوند
و یک قسمت برای خانواده و یک
قسمت نیز برای خود، سپس قسمت
خود را بین خود و مردم تقسیم
می کردند، و اول خواص وارد
می شدند و پس از آن سایر مردم و
چیزی از آن را نسبت به ایشان
دریغ نمی فرمود، و در مورد قسمت
امت، روش آن بزرگوار اینگونه
بود که اهل فضل را با اجازه دادن
به آن ها به اندازه فضلشان در
دین، بر دیگران ترجیح می دادند.

بعضی از آنان، یک حاجت
داشتند، بعضی دو حاجت و بعضی
بیشتر، پس به آن ها می پرداختند و
آنان را نیز- به آنچه که باعث
اصلاحشان و اصلاح امت بود، از جمله با
جویاشدن از احوالشان و نیز گفتن

صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

.....
مطالب لازم - مشغول می‌گردند. و می‌فرمودند: افراد حاضر به افراد غائب ابلاغ کنند و هر کس به من دسترسی ندارد، حاجتش را به من برسانید، زیرا هر کس نیاز نیازمندی را که خود قادر نیست نیاز خود را به حاکم برساند، در نزد حاکم مطرح نماید، خداوند او را در قیامت ثابت قدم خواهد فرمود.

در نزد آن حضرت فقط همین مطالب مطرح می‌شد و از هیچ کس چیزی جز این‌ها قبول نمی‌فرمود، مردم بر حضرتش وارد می‌شدند و با دست پر و دین‌شناس و قادر به هدایت دیگران خارج می‌شدند.

وضع حضرت^ﷺ در بیرون خانه

فَسَأَلْتُهُ عَنْ مَخْرَجِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ كَيْفَ كَانَ يَصْنَعُ فِيهِ فَقَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَخْزُنُ لِسَانَهُ إِلَّا عَمَّا يَغْنِيهِ وَ يُؤَلِّفُهُمْ وَ لَا يُنْفِرُهُمْ وَ يُكْرِمُ كَرِيمَ كُلِّ قَوْمٍ وَ يُؤَلِّيهِ عَلَيْهِمْ وَ يُحَدِّرُ النَّاسَ وَ يَحْتَدِرُ مِنْهُمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَطُوبِي عَنْ أَحَدٍ بِشَرِّهِ وَ لَا خُلِقَهُ وَ يَتَفَقَّدُ أَصْحَابَهُ وَ يَسْأَلُ النَّاسَ عَمَّا فِي النَّاسِ وَ يُحَسِّنُ الْحَسَنَ وَ يُقَوِّيه وَ يُقَدِّحُ الْقَبْدِيحَ وَ يُوهِدُهُ مُعْتَدِلَ الْأَمْرِ غَيْرَ مُخْتَلِفٍ لَا يَغْفُلُ مَخَافَةَ أَنْ

96 ..صلوات بر پیامبرﷺ؛ عامل قدسی شدن

روح

يَغْفُلُوا أَوْ يَمِيدُوا وَ لَا يَقْصُرُ عَنِ
الْحَقِّ وَ لَا يَجُوزُهُ الَّذِينَ يَلُونَهُ مِنْ
النَّاسِ خِيَارُهُمْ أَفْضَلُهُمْ عِنْدَهُ وَ
أَعْمُهُمْ نَصِيحَتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ وَ أَعْظَمُهُمْ
عِنْدَهُ مَنْزِلَتَهُ أَحْسَنُهُمْ مُوَاسَاةً وَ
مُوَازَرَةً .

حضرت فرمودند: در باره خروج
رسول اکرم ﷺ و این که پس از
خارج شدن چه می کردند، از پدرم
سؤال کردم. فرمودند:

رسول اکرم ﷺ زبان خود را، جز
در مواردی که به ایشان مربوط
می شد، حفظ می کردند، در میان
مردم تحبیب قلوب می کردند و آنان
را از خود نمی راندند، کریم و
بزرگ هر قومی را رئیس آنان قرار
می دادند، از مردم بر حذر بودند
بدون این که خوشرویی خود را از
آنان دریغ کنند، از اصحاب خود
سراغ می گرفتند و تفقد می فرمودند
و از مردم در مورد مسائلی که
بین خود مردم بود سؤال می کردند،
بدون افراط و تفریط، نیکی را
تحسین و تأیید، و بدی را تقبیح
و بی ارزش می کردند. میانه رو و
یکسان بودند، هیچ گاه غفلت
نمی کردند مبادا که مردم غفلت
کنند یا خسته شوند، در حق
کوتاهی نمی کردند، و از حق تجاوز

.....
 نمی‌کردند، و اطرافیان حضرتش از
 بهترین مسلمانان خیر بودند، و
 برتر و بالاتر از همه نزد آن
 حضرت کسی بود که خیرش به همه
 می‌رسید، و هرکس نسبت به دیگران
 بهتر همدردی و کمک می‌کرد نزد آن
 حضرت مقام و منزلتی بزرگ‌تر
 داشت.

چگونگی مجلس حضرت ﷺ

قَالَ فَسَأَلْتُهُ عَنْ مَجْلِسِهِ فَقَالَ كَانَ ﷺ
 لَا يَجْلِسُ وَلَا يَقُومُ إِلَّا عَلَيَّ ذَكَرَ وَلَا
 يُوطِنُ الْأَمَاكِينَ وَيَنْهَى عَنِ إِطْطَانِهَا
 وَإِذَا أَنْتَهَى إِلَيَّ قَوْمٌ جَدَسَ حَيْثُ
 يَنْتَهَى بِهِ الْمَجْلِسُ وَيَأْمُرُ بِذَلِكَ وَ
 يُعْطِي كُلَّ جُلَسَائِهِ نَصِيْبَهُ حَتَّى لَا
 يَحْسَبُ أَحَدٌ مِنْ جُلَسَائِهِ أَنَّ أَحَدًا
 أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنْهُ مَنْ جَالَسَهُ صَابِرَهُ
 حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُنْصَرَفُ عِنْدَهُ مَنْ
 سَأَلَهُ حَاجَةً لَمْ يَزْجِعْ إِلَّا بِهَا أَوْ
 بِمَيْسُورٍ مِنَ الْقَوْلِ قَدْ وَسِعَ النَّاسَ
 مِنْهُ خُلُقُهُ وَ صَارَ لَهُمْ أَبًا رَحِيمًا وَ
 صَارُوا عِنْدَهُ فِي الْحَقِّ سَوَاءً مَجْلِسُهُ
 مَجْلِسُ حِلْمٍ وَ حَيَاءٍ وَ صِدْقٍ وَ أَمَانَةٍ
 لَا تَرْفَعُ فِيهِ الْأَصْوَاتُ وَ لَا تُؤْبَنُ فِيهِ
 الْحُرْمُ وَ لَا تُثْنَى فَلَئِنِّي فَلَئِنِّي مُتَعَادِلِينَ
 مُتَوَاصِلِينَ فِيهِ بِالْتَّقْوَى مُتَوَاضِعِينَ
 يُوقِرُونَ الْكَبِيرَ وَ يَرْحَمُونَ الصَّغِيرَ

98 ..صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن

روح

و يُؤَثِّرُونَ ذَا الْحَاجَةِ وَ يَحْفَظُونَ
الْغَرِيبَ.

امام حسین ♦ فرمودند: در
مورد نشستن حضرت سؤال کردم؟
فرمود:

در نشستن و برخاستن به ذکر
مشغول بودند، در اماکن عمومی
اقامت نمی‌کردند و از این کار
نهی می‌فرمودند، هر وقت به مجلسی
وارد می‌شدند، در آخر مجلس
می‌نشستند و همواره به این کار
دستور می‌دادند، با هم‌نشینان خود
یکسان برخورد می‌فرمود تا کسی
گمان نبرد که دیگری نزد آن حضرت
گرامی‌تر است، هرکس با آن حضرت
هم‌نشین می‌شد حضرت در مقابل او
آن قدر صبر می‌کردند که اول خود
او بلند شود و مجلس را ترک کند،
هرکس از آن حضرت حاجتی می‌خواست
یا با دست پر برمی‌گشت یا در
جواب، گفتاری نرم و ملایم دریافت
می‌کرد، خلق و خوی ایشان شامل
حال همه بود، برای مردم همچون
پدری مهربان بودند، در مورد حق،
همه در مقابل ایشان یکسان
بودند، مجلس ایشان، مجلس حلم،
حیاء، صداقت و امانت بود، صدا
در آنجا بلند نمی‌شد و از نوامیس
و احترامات افراد هتک حرمت

.....
 نمی‌گردید و لغزش کسی بازگو نمی‌شد، همه از روی تقوی با هم برابر و به هم پیوسته و متواضع بودند، افراد بزرگتر را احترام می‌کردند و به اطفال مهربانی می‌نمودند و افراد حاجتمند را بر خود ترجیح داده و افراد غریب را پناه می‌دادند.

وضع حضرت ﷺ با هم‌نشینان

فَقُلْتُ كَيْفَ كَانَ سِيرَتُهُ فِي جُلَسَائِهِ
 فَقَالَ كَانَ دَائِمَ الْبِشْرِ سَهْلَ الْخُلُقِ
 لَيْنَ الْجَانِبِ لَيْسَ بَفِظٍ وَ لَا غَلِيظٍ وَ
 لَا صَخَابٍ وَ لَا فَحَاشٍ وَ لَا عِدَابٍ وَ لَا
 مَزَاحٍ وَ لَا مَدَاحٍ يَتَغَافَلُ عَمَّا لَا
 يَشْتَهِي فَلَا يُؤَيِّسُ مِنْهُ وَ لَا يُخَيِّبُ فِيهِ
 مُؤَمِّلِيهِ قَدْ تَرَكَ نَفْسَهُ مِنْ ثَلَاثِ
 الْمِرَاءِ وَ الْإِكْثَارِ وَ مَا لَا يَعْنِيهِ وَ
 تَرَكَ النَّاسَ مِنْ ثَلَاثِ كَانَ لَا يَدُمُ
 أَحَدًا وَ لَا يُعَيِّرُهُ وَ لَا يَطْلُبُ عَثْرَاتِهِ
 وَ لَا عَوْرَتَهُ وَ لَا يَتَكَلَّمُ إِلَّا فِيمَا
 رَجَا ثَوَابَهُ إِذَا تَكَلَّمَ أَطْرَقَ جُلَسَاؤُهُ
 كَأَنَّمَا عَلَي رُءُوسِهِمُ الطَّيْرُ وَ إِذَا
 سَكَتَ تَكَلَّمُوا وَ لَا يَتَنَازَعُونَ عِنْدَهُ
 الْحَدِيثَ وَ إِذَا تَكَلَّمَ عِنْدَهُ أَحَدٌ
 أَنْصَتُوا لَهُ حَتَّى يَفْزِعَ مِنْ حَدِيثِهِ
 يَضْحَكُ مِمَّا يَضْحَكُونَ مِنْهُ وَ يَتَعَجَّبُ
 مِمَّا يَتَعَجَّبُونَ مِنْهُ وَ يَصِيرُ لِلْغَرِيبِ
 عَلَي الْجَفْوَةِ فِي الْمَسْأَلَةِ وَ الْمَنْطِقِ

روح

حَتَّىٰ إِنْ كَانَ أَصْحَابُهُ لَيْسَتْ جَلْبُونَهُمْ
وَيَقُولُ إِذَا رَأَيْتُمْ طَالِبَ حَاجَةٍ
يَطْلُبُهَا فَارْفِدُوهُ وَلَا يَقْبَلُ الثَّنَاءَ
إِلَّا مِنْ مُكَافِيٍّ وَلَا يَقْطَعُ عَلَيَّ أَحَدٍ
كَلِمَةً حَتَّىٰ يَجُوزَهُ فَيَقْطَعَهُ بِنَهْيِ أَوْ
قِيَامِ .

پرسیدم: رفتارشان با همنشینان
خود چگونه بود؟ فرمودند:

دائماً خوشرو و ملایم و
خوش‌برخورد بودند. سخت‌گیر و خشن،
داد و فریاد کن و بد زبان
نبودند، نه عیب‌جوئی می‌کردند و
نه حمد و ثنای کسی را می‌گفتند،
در مقابل آنچه که دوست
نمی‌داشتند، خود را به غفلت
می‌زدند و به روی خود نمی‌آوردند،
کسی از ایشان ناامید نمی‌شد و
آرزومندانشان محروم نمی‌شدند. سه
کار را کنار گذاشته بودند:

«مراء و مجادله»، «پرحرفی» و
«گفتن حرف‌های بیهوده و آنچه به
ایشان مربوط نمی‌شد». و سه کار
را در مورد مردم انجام
نمی‌دادند: «کسی را مذمت و تقبیح
نمی‌کردند»، «لغزش‌ها و مسائل
پنهانی افراد را دنبال
نمی‌کردند» و «هیچ‌وقت حرفی
نمی‌زدند مگر جایی که امید ثواب
داشتند». وقتی صحبت می‌کردند همه

صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن راولح

.....
ساکت بودند و کسی کوچکترین حرکتی نمی کرد و هر گاه سکوت می فرمود، دیگران صحبت می کردند. در حضور ایشان، مجال سخن گفتن را از یک دیگر نمی گرفتند، اگر کسی در خدمت آن حضرت صحبت می کرد، بقیه سکوت می کردند تا سخن او تمام شود بعد به کلام اولشان بر می گشتند، به هر چه دیگران را می خندانید حضرت مقابل ایشان را می خندید، و از هر چیز که دیگران تعجب می کردند تعجب می فرمود، در مقابل افراد غریبی که از روی خشونت و تندی سوال می کردند و حرف می زدند، حتی اگر اصحاب آن حضرت در صدد بودند که این افراد را از خود برانند، حضرت می فرمودند: وقتی حاجتمندی را دیدید که در پی برآوردن نیاز خویش است او را کمک کنید و حمد و ثنای افراد ضعیف الایمان و منافق را نمی پذیرفتند، و کلام کسی را قطع نمی کردند مگر زمانی که خود قطع کند یا وقت بگذرد که در این صورت کلامش را یا با نهي کردن و یا برخاستن از مجلس قطع می کردند.

سکوت حضرت ﷺ

قَالَ فَسَأَلْتُهُ عَنْ سُكُوتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ ◆ كَانَ سُكُوتُهُ عَلَيَّ أَرْبَعَ الْجِلْمِ وَالْحَذَرِ وَالتَّقْدِيرِ وَالتَّفَكُّرِ فَأَمَّا التَّقْدِيرُ فَفِي تَسْوِيَةِ النَّظَرِ وَ الإِسْتِمَاعِ بَيْنَ النَّاسِ وَ أَمَّا تَفَكُّرُهُ ففِيمَا يَبْقَى وَ يَفْنَى وَ جُمِعَ لَهُ الْجِلْمُ فِي الصَّبْرِ فَكَانَ لَا يُغْضِبُهُ شَيْءٌ وَ لَا يَسْتَفْزُهُ وَ جُمِعَ لَهُ الْحَذَرُ فِي أَرْبَعٍ أَخَذَهُ الْحَسَنَ لِيُقْتَدِيَ بِهِ وَ تَرَكَهُ الْقَبِيحَ لِيُنْتَهِيَ عَنَّهُ وَ اجْتَهَادَهُ الرَّأْيَ فِي إِصْلَاحِ أُمَّتِهِ وَ الْقِيَامَ فِيمَا جَمَعَ لَهُمْ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.⁵⁸

امام حسین ◆ فرمودند: در باره سکوت رسول خدا ﷺ سؤال کردم، پدرم فرمودند:

سکوت آن حضرت در چهار مورد بود: حلم و بردباری، حذر و احتیاط، سنجش و اندازه‌گیری، و تفکر. و امّا سنجش و اندازه‌گیری در یکسان نگاه کردن به مردم و یکسان گوش‌دادن به سخن‌های آنان، و تفکر آن حضرت در امور باقی و امور فانی بود، حلم و بردباری را در عین شکیبائی و صبر دارا

صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن (103)

بودند، چیزی آن حضرت را عصبانی نمی‌کرد و از کوره به در نمی‌برد. و در چهار مورد با دقت و احتیاط رفتار می‌کردند: انجام کارهای نیک، تا دیگران به آن حضرت تأسی کنند، ترک کارهای قبیح، تا دیگران نیز ترک کنند، کوشش و دقت نظر در اصلاح امت خویش و اقدام به کاری که برای همه دارای خیر دنیا و آخرت بود، درود خدا بر او و خاندان پاکش باد.

و در یک کلمه باز می‌خواهیم بگوییم: ای پیامبر!

نه ملک بودی و نه رای بشیرها، بشر

چگونگی تأثیر صلوات ما بر پیامبر^ﷺ

سؤال: با توجه به مقام کامل پیامبر و ائمه^{علیهم‌السلام}، آن بزرگواران چه نیازی به صلوات ما دارند؟

جواب: آیت‌الله جوادی آملی به نقل از علامه طباطبایی^ﷺ در جواب این سؤال می‌فرمایند: صلواتی که ما می‌فرستیم، اولاً؛ از خودمان چیزی اهداء نمی‌کنیم، بلکه به خدا عرض می‌کنیم و از او می‌خواهیم که بر پیامبر و خاندانش رحمت ویژه خود

104 .. صلوات بر پیامبر ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

را بفرستد. ثانیاً؛ گرچه این خاندان به ما محتاج نیستند، ولی به ذات اقدس خداوند نیازمندند و باید دائماً فیض الهی بر آن‌ها نازل شود. از طرفی ما با تقاضای صلوات خدا بر آن‌ها، خود را به این خاندان نزدیک کرده ایم. مثل این است که باغبانی از گل‌های صاحب باغ یک دسته گل به صاحب باغ هدیه کند، درست است که همه آن گل‌ها مال صاحب باغ است، ولی آن کار موجب قرب باغبان به صاحب باغ می‌گردد. چون یک نوع ادب است. و صلوات، ادب ما را ثابت می‌کند، وگرنه ما که از خود چیزی نداریم، بلکه از ذات اقدس الله مسئلت می‌کنیم که بر مراتب و درجات این بزرگواران بیفزاید، و همین عرض ادب برای ما موجب تقرب است.⁵⁹

معنی صلوات این است که: خدایا! رحمت خود را بر پیامبر و آل او نازل فرما، وقتی رحمت بر آن‌ها نازل شد، به دیگران هم می‌رسد، چون آن‌ها مجاری فیضانند⁶⁰

59 - «توصیه‌ها، پرسش‌ها و پاسخ‌ها»، آیت‌الله جوادی آملی «حفظه الله تعالی»، ج 1، ص 78.

60 - «توصیه‌ها، پرسش‌ها و پاسخ‌ها»، آیت‌الله جوادی «حفظه الله تعالی»، ج 1، ص 93.

و اگر بخواهد خیري به بقيه برسد، باید به عنوان رحمت خاصه نخست بر آن‌ها نازل شود، سپس به دیگران برسد. چنانچه عرضه می‌داري: «بِيَمْنِهِ رُزِقَ الْوَرَى وَ يُوْجُوْدِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ».⁶¹ به برکت وجود آن حضرت مخلوقات روزي دریافت می‌کنند و زمین و آسمان پایدار می‌مانند.

همان‌طور که در آیه 56 سوره احزاب فرمود: خدا و ملائکه بر پیامبر ﷺ صلوات می‌فرستند، در آیه 43 همان سوره فرمود:

«هُوَ الَّذِي يُصَلِّيْ عَلَيْنَا وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»؛ خداوند و ملائکه او بر شما مؤمنان درود می‌فرستند تا شما را از ظلمات به سوی نور خارج کنند. پس مؤمنان به جایی می‌رسند که خدا و ملائکه بر آن‌ها درود می‌فرستند و این درود فرستادن، آن‌ها را به سوی نور می‌کشاند، حال می‌توان گفت صلوات خدا و ملائکه برای پیامبر و اهل بیت او ﷺ موجب می‌شود که آن‌ها همواره در مقام نوري خود باقی بمانند. همان‌طور که استغفار ائمه

106 .. صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

معصومین^ﷺ جهت دفع گناه است، به طوری که آن‌ها را در شرایطی قرار می‌دهد که گناه سراغشان نمی‌آید. در حالی که استغفار برای امثال ما جهت رفع گناه بوده، موجب می‌شود تا آثار ظلمانی گناه از جان ما پاک شود. معنی خروج از ظلمات به سوی نور برای ما، در اثر صلوات خدا و ملائکه به همان معنی پاک‌شدن از آثار ظلمانی گناه است.

از طرفی صلوات بر محمد و آل محمد^ﷺ از آن جهت که ما آن صلوات را انجام می‌دهیم فعل ما محسوب می‌شود و نتایج آن عائد ما می‌گردد و ما را به مقام عبد شکور وارد می‌کند بنده‌ای که توجه به نعم عالیة الهی دارد و از حضرت پروردگار تقاضا می‌کند بر این مجاری عالیة فیضات که در رساندن حقیقت دین به ما، نهایت تلاش را انجام دادند صلوات خود را برسان و از آن برکاتی که مخصوص اولیاء خاص خودت هست بر آن‌ها ارزانی دار. در واقع با صلوات خود به وجود مقدس پیامبر^ﷺ عرضه می‌داریم:

افزون بر دست و

مانند حق این

.....
باید متذکر بود که پیامبر و
ائمہ معصومین^{علیهم السلام} وسایل وصول اهل
معرفت و وسائط نزول برکات و
تجلیات حضرت ربوبیت جلّت و عظمتہ
هستند. لذا امام صادق^{علیه السلام} ♦
می‌فرمایند: «وَبِعِبَادَتِنَا عُبِدَ اللَّهُ،
وَلَوْ لَا نَحْنُ مَا عُبِدَ اللَّهُ»⁶² به
وسیله عبادت و پرستش ما مردم
خداپرست شدند، اگر ما نبودیم
مردم خدا پرست نمی‌شدند.

هرکس شمه‌ای از حقیقت ولایت و
رسالت را بداند خواهد دانست
نسبت اولیاء الهی^{علیهم السلام} به خلق چه
نسبتی است و چگونه از طریق آن
ذوات مقدس راه عبادت الهی برای
انسان گشوده می‌شود.

علاوه بر این از طریق صلوات بر
این خاندان یک نحوه اتحاد
روحانی با آن‌ها برای ما پیش
خواهد آمد و با تکرار صلوات،
این اتحاد روحانی را تشدید
می‌کنیم و پایدار نگه می‌داریم، و
از طرف دیگر ذکر صلوات در عین
اینکه یک دعای با محتوا است، یک
شعار اسلامی نیز هست زیرا در
میان ادعیه تنها دعایی است که
مستحب است بلند گفته شود. شاید

روح

بلندگفتن آن به این علت است که موجب زنده نگه داشتن نام پیامبرﷺ می شود، در حالی که به ما دستور داده اند: «وَأَذْكُرُ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ»⁶³ و در دل خویش پروردگارت را بامدادان و شامگاهان با تضرع و ترس، بدون صدای بلند یاد کن و از غافلان مباش. و نیز همان رسول خدایی که در دعا کردن می فرماید: «لَا تَرْفَعُوا أَسْوَاتِكُمْ فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَيْسَ بِأَصَمَّ»⁶⁴ صدای خود را در حین دعا بلند نکنید که پروردگار شما ناشنوا نیست؛ می فرماید: «ارْفَعُوا أَسْوَاتِكُمْ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِالنَّفْثَاقِ»⁶⁵ آواز های خود را به صلوات بر من بلند کنید، زیرا که آن نفثاق را برطرف سازد.

همه اینها نشان می دهد که صلوات نسبت به بقیه ادعیه وسعت بیشتری دارد و نه تنها موجب یگانگی قلب ذاکر صلوات با روح رسول خداﷺ و همسنخی با عالم قدس می شود، بلکه یک نحو گسترش

63 - سوره اعراف، آیه 205.

64 - «ارشاد القلوب»، ج 1، ص 154.

65 - «الکافی»، ج 2، ص 493.

صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن (109)

نور اسلام و نبوت در جامعه نیز هست.

در راستای برکاتی که صلوات خدا و ملائکه بر پیامبر و آل او^ﷺ دارد در روایت داریم؛ معنی صلوات بر پیامبر^ﷺ به معنی مدح و ثنای او است.

قال ابوبصیر قال: سألت ابا عبد الله^ﷺ عن هذه الآية، كيف صلوة الله علي رسوله؟ قال: «يا ابا محمد! تَزْكِيَةٌ لَهُ فِي السَّمَوَاتِ الْعُلَى»،⁶⁶

ابوبصیر گوید از حضرت صادق^ﷺ در رابطه با این آیه سؤال کردم که صلوات خدا بر رسول خدا^ﷺ چگونه است؟ حضرت در جواب فرمودند: ای ابا محمد! به معنی ثناء او در عالم اعلا است.

و نیز داریم، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَي النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا» فَقَالَ صَلَاةُ اللَّهِ [عَلَيْهِ] تَزْكِيَةٌ لَهُ فِي السَّمَاءِ قُلْتُ مَا مَعْنَى تَزْكِيَةِ اللَّهِ إِيَّاهُ؟ قَالَ زَكَاةٌ بِأَنْ بَرَّأَهُ مِنْ كُلِّ نَقْصٍ وَ آفَةٍ تَلْزَمُ مَخْلُوقًا. قُلْتُ فَصَلَاةُ الْمُؤْمِنِينَ؟ قَالَ يُبْرَأُ وَنَهُ وَ

روح

يُعَرَّفُونَهُ بِأَنَّ اللَّهَ قَدْ بَرَّأَهُ مِنْ كُلِّ مَا
هُوَ فِي الْمَخْلُوقِينَ مِنَ الْأَفَاتِ الَّتِي
تُصِيبُهُمْ فِي بِنْيَةِ خَلْقِهِمْ فَمَنْ عَرَفَهُ
وَ وَصَفَهُ بِغَيْرِ ذَلِكَ فَمَا صَلَّيَ عَلَيْهِ
فَقُلْتُ فَكَيْفَ نَقُولُ نَحْنُ إِذَا صَلَّيْنَا
عَلَيْهِمْ؟ قَالَ: تَقُولُونَ اللَّهُمَّ إِنَّا
نُصَلِّيُكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
كَمَا أَمَرْتَنَا بِهِ وَكَمَا صَلَّيْتَ
أَنْتَ عَلَيْهِ فَكَذَلِكَ صَلَّيْنَا عَلَيْهِ.

راوي پس از آن که معنی صلوات
خدا بر پیامبر ﷺ را از امام
صادق ♦ می پرسد، حضرت
می فرمایند: صلوات خدا بر رسولش،
تزکیه و ثناء او در آسمان است.
می گوید: پرسیدم معنی ثناء و
تزکیه رسول خدا ﷺ به وسیله خدا
به چه معنی است؟ فرمود:
پاکنگه داشتن او از هر نقص و
آفتی که لازمه مخلوق است.
پرسیدم: معنی صلوات مؤمنین
چیست؟ فرمود: او را مبرا بدانند
و این طور بشناسند که خداوند او
را از کلیه ضعفهایی که در بقیه
خلق هست پاک نگه داشته، و کسی
که او را جز این بشناسد و وصف
کند عملاً بر پیامبر صلوات
نفرستاده. پرسیدم: چگونه ما بر
او و خاندانش صلوات بفرستیم؟
فرمود: بگویید: «اللَّهُمَّ إِنَّا نُصَلِّيُكَ

صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن راولح

.....
عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ عَلَيَّ آلِ مُحَمَّدٍ
كَمَا أَمَرْتَنَا بِهِ وَ كَمَا صَلَّيْتَ أَنْتَ
عَلَيْهِ فَكَذَلِكَ صَلَّاتُنَا عَلَيْهِ»، خدایا!
ما بر پیامبرت و بر آل او درود
می‌فرستیم، همچنان که به ما امر
کردی و همان‌طور که خودت بر آن‌ها
درود می‌فرستی، صلوات ما بر آن‌ها
باد.

این روایت عظیم الشان و
جلیل‌القدر به ما کمک می‌کند که
با صلوات، جهت جان را متوجه آن
ذات مقدسی نماییم که خداوند او
را از همه ضعف‌ها پاک نگه داشته
و او را همواره به عنوان پیشوای
خود در منظرمان داشته باشیم، و
با نظر به آن مقام و اعلان ارادت
به ساحت کبریایی آن رسول الهی^ﷺ
از برکات خاص صلوات بر او و
خاندان مطهرش بهره‌مند گردیم.

و نیز در روایت داریم که راوی
می‌گوید از حضرت موسی بن جعفر[♦]
پرسیدم؛

«مَا مَعْنَى صَلَاةِ اللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ صَلَاةِ
الْمُؤْمِنِينَ قَالَ صَلَاةُ اللَّهِ رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ
صَلَاةُ مَلَائِكَتِهِ تَزْكِيَةٌ مِنْهُمْ لَهُ وَ صَلَاةُ
الْمُؤْمِنِينَ دُعَاءٌ مِنْهُمْ لَهُ.»⁶⁷

112 .. صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

معنی صلوات خدا و ملائکه و مؤمنین چیست؟ حضرت می‌فرمایند: صلوات خدا و صلوات ملائکه تزکیه و ثناء آن‌هاست بر پیامبر^ﷺ، و صلوات مؤمنین دعای آن‌هاست برای پیامبر^ﷺ.

ابن‌اثیر می‌گوید: معنی صلوات ما به این صورت است که از خدا تقاضا می‌کنیم: «عَظُمَتْهُ فِي الدُّنْيَا بِأَعْلَاءِ ذِكْرُهُ وَ إِظْهَارِ دَعْوَتِهِ وَ إِبْقَاءِ شَرِيعَتِهِ وَ فِي الْآخِرَةِ بِتَشْفِيْعِهِ فِي أُمَّتِهِ وَ تَضْعِيفِ أَجْرِهِ وَ مَثُوبَتِهِ»،⁶⁸ خدایا او را در دنیا بزرگ بدار با بلندکردن نام او و گسترش دعوتش و پاییداری شریعت‌اش، و در آخرت نیز به شفاعت در امتش و افزودن اجر و ثوابش او را بزرگ بدار.

چگونگی فرستادن صلوات

سؤال: چگونه صلوات بفرستیم؟
جواب: همچنان که قبلاً عرض شد بنا به نقل شیعه و سنی، رسول خدا^ﷺ تأکید داشته‌اند که صلوات ناقص و بریده نفرستید به طوری که در کنار صلوات بر آن حضرت «آل»

68 - «کتاب طرائف»، ابن طاوس، ص 330 در مورد صلوات.

صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن (31)

آن حضرت ذکر نشود. چنانچه در روایت داریم:

قال رسول الله^ﷺ «لَا تُصَلُّوا عَلَيَّ صَلَاةً مَبْتُورَةً بَلْ صَلُّوا إِلَيَّ أَهْلَ بَيْتِي وَ لَا تَقْطَعُوهُمْ فَإِنَّ كُلَّ نَسَبٍ وَ سَبَبٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُنْقَطِعٌ إِلَّا نَسَبِي»،⁶⁹

بر من صلوات ناقص نفرستید، بلکه وصل کنید بر من اهل بیت مرا و آن‌ها را منقطع نکنید، زیرا که در قیامت هر نَسَب و سببی منقطع است مگر نَسَب من. که این حکایت از آن دارد که آن ذوات مقدسه یک حقیقت واحدند.

و نیز بخاری نقل می‌کند که وقتی راوی از رسول خدا^ﷺ پرسید: یا رسول الله فهمیدیم چگونه بر تو سلام کنیم، حال بفرمایید چگونه صلوات بفرستیم؟ فرمودند: بگویید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».⁷⁰

در روایت داریم: عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ **◆** قَالَ سَمِعَ أَبِي رَجُلًا مُتَعَلِّقًا بِالْبَيْتِ وَ هُوَ يَقُولُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ فَقَالَ لَهُ أَبِي يَا عَبْدَ اللَّهِ لَا

69 - «وسائل الشيعه»، ج 7، ص 207.

70 - «صحيح بخاري»، ج 6، ص 27 نقل از ظرائف، سيدبن طاووس، ترجمه داود الهامي، ص 33.

114 .. صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن

روح

تَبَثَّرْهَا لَا تَظْلِمْنَا حَقَّنَا قَبْلِ اللّٰهِمْ
صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ.⁷¹

امام صادق **◆** می‌فرمایند: پدرم شنید که مردی به پرده کعبه در آویخته و می‌گوید: «اللهم صل علی محمد» (و نامی از آل محمد دنبال آن نمی‌برد) پدرم به او فرمود: ای بنده خدا بریده اش مکن، و در باره حق ما به ما ستم مکن، و بگو: «اللهم صل علی محمد و أهل بیته».

ثعلب‌بی در تفسیر خود در مورد آیه «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَيَّ النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»، آورده است که:

قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ عَلِمْنَا السَّلَامَ
عَلَيْكَ فَكَيْفَ الصَّلَاةُ عَلَيْكَ؟ قَالَ
قُولُوا «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ
مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ
إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ وَ بَارِكْ
عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ
عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ
حَمِيدٌ مَّجِيدٌ».⁷²

کتاب «کنز العمال» از علی **◆** روایت می‌کند که فرمودند: راوی از رسول خدا^ﷺ سؤال کرد ای رسول

71 - «الكافي»، ج 2، ص 495.

72 - «بحار الأنوار»، ج 27، ص 258.

صلوات بر پیامبر^ﷺ؛ عامل قدسی شدن رکوع

.....
خدا سلام کردن به شما را دانستیم، چگونه بر شما صلوات بفرستیم؟ حضرت می‌فرمایند: بگویید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَ بَارِكْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ». ⁷³
مرحوم علامه سید مرتضی عسکری^{رحمة الله عليه} در جزوه مختصری موضوع فضیلت صلوات و چگونگی آن را بر اساس متون اهل سنت جمع آوری کرده اند که همه روایات حکایت از آن دارد که رسول خدا^ﷺ تأکید داشته اند صلوات بر ایشان را با صلوات بر آل آن حضرت همراه کنند.

نقش صلوات در استجابت دعا

سؤال: چه رابطه ای بین صلوات بر پیامبر^ﷺ و استجابت دعا هست که در روایات داریم چنانچه دعای خود را با صلوات همراه کنید مستجاب می‌شود؟

جواب: همان‌طور که می‌فرمایید علاوه بر روایاتی که صلوات را

73 - «کنز العمال»، ج 2، ص 176، و «تفسیر در المنثور»، ج 5، ص 217.

116 .. صلوات بر پیامبر ﷺ؛ عامل قدسی شدن روح

عامل هدم گناهان می‌دانند، روایاتی داریم که می‌فرماید صلوات موجب برآورده شدن حاجات می‌شود، مثل این‌که: رسول خدا ﷺ می‌فرمایند:

«من صَلَّى عَلَي مُحَمَّدٍ وَ عَلَي آلِ مُحَمَّدٍ مِائَةً مَرَّةً قَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ مِائَةً حَاجَةً».⁷⁴

هرکس بر محمد و آل محمد صد بار درود بفرستد، خداوند صد حاجت او را بر می‌آورد.

یا روایاتی که می‌فرماید برای برآورده شدن حاجات خود، همراه آنها، صلوات بر محمد و آل محمد را قرار ده. از جمله این‌که امام صادق **♦** می‌فرمایند:

«مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَاجَةٌ فَلْيَبْدَأْ بِالصَّلَاةِ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ثُمَّ يَسْأَلْ حَاجَتَهُ ثُمَّ يَخْتِمُ بِالصَّلَاةِ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَكْرَمُ مَنْ أَنْ يَقْبَلَ الطَّرْفَيْنِ وَ يَدْعَ الْوَسْطَ إِذَا كَانَتِ الصَّلَاةُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَا تُحْجَبُ عَنْهُ».⁷⁵

هرکس به درگاه خدای **†** حاجتی دارد باید به صلوات بر محمد و آلش شروع کند، و سپس حاجت خود را بخواهد، و در آخر هم به

74 - «مناقب علی بن ابی طالب»، ص 295.

75 - «الکافی»، ج 2، ص 494.

صلوات بر پیامبر^ﷺ: عامل قدسی شدن (71)

صلوات بر محمد و آل محمد پایان دهد، زیرا که خدای عز و جل کریمتر از آن است که دو طرف دعا را بپذیرد، و وسط دعا را واگذارد، زیرا صلوات بر محمد و آل محمد محجوب نیست.

یا میفرمایند: «لَا يَزَالُ الدُّعَاءُ مَحْجُوباً حَتَّى يُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».⁷⁶

پیوسته دعا محجوب است (و میان آن و استجابتش حجاب و پرده ای حائل است) تا بر محمد و آلش صلوات فرستاده شود.

و یا میفرمایند: «مَنْ دَعَا وَ لَمْ يَذْكَرِ النَّبِيَّ^ﷺ رَفَرَ الدُّعَاءُ عَلَي رَأْسِهِ فَإِذَا ذَكَرَ النَّبِيَّ^ﷺ رُفِعَ الدُّعَاءُ».⁷⁷

هر که دعائی کند و نام پیغمبر^ﷺ را نبرد آن دعا بالای سرش بچرخد، و چون نام پیغمبر^ﷺ را برد دعا بالا رود.

علت چنین قاعده ای را باید در صفاتی دانست که در قلب ذا کر صلوات پدید می آید، به طوری که عملاً گوینده صلوات، با ذکر صلوات با نور پیامبر و ائمه^{علیهم السلام} در محضر

76 - «الكافي»، ج 2 ، ص 491.

77 - «الكافي»، ج 2 ، ص 491.

118 ..صلوات بر پیامبر^ص؛ عامل قدسی شدن
روح

خدا حاضر می‌شود و با چنین حضوری
مانعی بین او و فیض حضرت
رب العالمین باقی نمی‌ماند و همان
ملائکه‌ای که با صلوات بر محمد و
آل او، به مدد ذاکر صلوات
می‌آیند، در برآورده شدن حاجات او
را یاری می‌کنند.

به امید آن که توانسته باشیم
در شناخت مقام نبی^ص و امامان
معصوم^{علیهم‌السلام} قدمی برداشته باشیم و
با صلوات بر آن ذوات مقدسه خود
را به انوار آن‌ها نزدیک کنیم.

«وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»

آثار منتشر شده از استاد طاهرزاده

معرفت النفس و الحشر (ترجمه و
تنقيح اسفار جلد 8 و 9)
گزينش تكنولوجي از دريچه بينش
توحيد

علل زلزله تمدن غرب
آشتي با خدا از طريق آشتي با خود
راستين

جوان و انتخاب بزرگ
روزه ، دريچه اي به عالم معنا
ده نکته از معرفت النفس
ماه رجب ، ماه يگانه شدن با خدا
كربلا ، مبارزه با پوچيها
زيارت عاشورا ، اتحادي روحاني با
امام حسين

فرزندم اين چنين بايد بود (نامه حضرت
علي به امام حسن عليه السلام - نهج البلاغه ، نامه 31)

فلسفه حضور تاريخي حضرت حجت عليه السلام
مباني معرفتي مهديت
مقام ليلة القدري فاطمه عليها السلام
از برهان تا عرفان (شرح برهان
صديقين و حرکت جوهری)
جايگاه رزق انسان در هستي
فرهنگ مدرنيته و توهم
دعای ندبه ، زندگي در فردي نوراني
معاد ؛ بازگشت به جدي ترين زندگي
بصيرت حضرت فاطمه عليها السلام
جايگاه و معني واسطه فيض